

تبیین تربیت زیست محیطی بر اساس مبانی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر محسن ایمانی نائینی^{*} دکتر ابراهیم طلایی^{**} محبوبه سعدی پور^{***}

چکیده

هدف از این تحقیق، تبیین تربیت زیست محیطی بر اساس مبانی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی است. روش پژوهش کیفی از نوع استنتاجی فرانکنا است. بر اساس الگوی استنتاجی فرانکنا از قرار گرفتن اهداف و مبانی کنار هم اصولی استخراج شده است. جامعه تحلیلی این پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و کلیه منابع مرتبط با تربیت زیست محیطی است که به طور هدفمند بر اساس اهداف پژوهش نمونه‌گیری و به طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفت. روش تحلیل داده‌ها دسته‌بندی، کدگذاری و تفسیر بوده که به طور مستمر همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شده است. یافته‌های حاصل نشان‌دهنده این است که بر اساس مبانی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران اهداف تربیت زیست محیطی عبارت است از: درک حضور وجود خداوند، جهان طبیعت و انسان، آگاهی به غایتمندی و هدفداری عالم طبیعت، گرامیداشت تقدس طبیعت، درک نظم و توازن حاکم بر طبیعت، درک بعد متافیزیکی و فیزیکی انسان بر اساس ارتباط او با محیط زیست، فهم و پرورش رفتار خردورزانه با محیط زیست. مبانی تربیت زیست محیطی عبارت است از: طبیعت تجلی‌گاه واجب الوجود، غایتمندی و هدفداری عالم طبیعت، تقدس طبیعت، نظامندی طبیعت، آزادی انسان، احساس تعلق داشتن انسان به مکان، ارزش ذاتی طبیعت مستقل از ذهن انسان، ابتدای طبیعت بر نظام عادلانه، حس زیبایی‌شناختی زیست محیطی انسان. نهایتاً اصول تربیت زیست محیطی عبارت است از: نگرش «از-اویی» به طبیعت، احترام به طبیعت به عنوان موجودی مقدس، حفظ موزون بودن طبیعت، هماهنگی جسم و روح در ارتباط با طبیعت، پیوند عین و ذهن در ارتباط با طبیعت، قانونمندی انسان در محیط زیست، کشف هویت زیست محیطی، رعایت حق بر محیط زیست سالم، عدالت زیست محیطی، دست‌یابی به نگرش زیست محیطی همه جانبه، زیبایی‌انگیزه حفاظت از محیط زیست.

واژگان کلیدی: محیط زیست، تربیت زیست محیطی، مبانی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، اهداف، مبانی و اصول.

مواجهه انسان با طبیعت همواره برای او جای پرسش بوده است. این پرسش که آیا طبیعت بر انسان مسلط است یا برعکس. بر این اساس موضوع های مختلفی چون سنت ها و آیین، آداب و رسوم، فرهنگ، ادیان، فلسفه و علم هر کدام در این مسئله دیدگاه های متفاوتی را عرضه نموده اند. بحث اصلی که حول محور نگاه دین به طبیعت است، به تبیین تربیت زیست محیطی و تعامل مناسب انسان با طبیعت می پردازد.

دنیای صنعتی قرن بیست و یکم با تأکید بر اقتصاد، پیشرفت بیشتر، تقدم عمل بر تفکر و اندیشه و سیطره مادیت گرایی به سوی نابودی طبیعت به پیش می رود. اعمال متکبرانه و پرخاش جویانه انسان عصر حاضر که ریشه در خودخواهی و دنیاطلبی او دارد، نه تنها زمینه ساز فاجعه زیست محیطی گردیده است، بلکه خود او نیز در مسیر پرتگاه بلایا قرار گرفته است. خداوند جهان هستی و طبیعت را با تمام ویژگی ها و جلوه هایش برای رفاه و بهره برداری معقول انسان آفریده است و در کتاب های آسمانی خود از تورات تا انجیل و قرآن، همواره بر حفظ و حراست از آن ها تأکید نموده است. بنابراین، یکی از مهم ترین مباحثی که همواره در کانون توجه افراد، گروه ها و اندیشمندان تربیتی قرار دارد، مسئله نوع برخورد و تعامل انسان با طبیعت و یا به طور کلی با جهان اطرافش است. علم محیط زیست، به عنوان یکی از علوم کاربردی و مهم دنیای امروز و با توجه به ارتباط گسترده اش با علوم مختلفی نظیر زیست شناسی، زمین شناسی، هواشناسی و یا حتی جامعه شناسی، می تواند بعضی از مبانی و اصول تربیتی خود را از دین به دست آورد.

زیست سپهر؛ یعنی محیط های زیست هر کدام دارای سپهر خاص خود هستند (بنسون، ۱۳۸۲: ۱۸). فلسفه محیط زیست مکتبی است در فلسفه که راجع به ارزش ها و چرایی مسئله حمایت و حفاظت از محیط زیست و به ویژه درباره حق اشیاء و ارزش سیستم های غیر انسانی محیط و تعهد اخلاقی انسان ها نسبت به حفاظت از آن می پردازد (لوبلان دِنژ، ۲۰۰۲). کانون توجه این موضوع، تحلیلی اکولوژیکی از فلسفه یا تحلیلی فلسفی از مسائل اکولوژیکی (اکوسوفی) است (دلورد^۲، ۲۰۰۸).

1. Leblanc DesNeiges
2. Delord

مهم‌ترین هدف خلقت، عبودیت است. برای نیل به این هدف تبیین رابطه بین انسان و محیط‌زیست ضرورت دارد. زیرا انسان لحظه به لحظه در حال تعامل با محیط‌زیست خود است. مراحل اصلی این ارتباط از نظر اسلام عبارتند از کمال بخشی، شناخت طبیعت، و اصلاح و عمران زمین؛ بدین معنا که هدف از تماس با طبیعت و به‌کارگیری عناصر و مواد آن در اعمال و فعالیت‌ها باید بر کمال بخشی آن‌ها متمرکز باشد. این کمال بخشی بر شناخت اجزا و ارتباط آن‌ها استوار است و در نحوه اجرا باید اصلاح و عمران زمین را مد نظر قرار داد (حدادی، ۱۳۸۷: ۵۴).

طی قرون گذشته، علم جدید بر محور پارادایم غالب مدرنیسم و با فاصله گرفتن از نگاه قدسی و معنوی به طبیعت، نگرشی را برای انسان امروزی آفرید که با نفسی سلطه‌جو و تجاوزگر، به منظور ارضای خواسته‌های درونی‌اش برخورد مسرفانه با طبیعت نمود. بی‌تردید نخستین گام این حرکت، یعنی کنار گذاشتن دین و متون دینی و در صدر آن‌ها قرآن کریم، مبین نوع نگرش به طبیعت و به تعبیری رساتر تقدس‌زدایی از طبیعت و دنیوی کردن آن بوده است (جانگیر، ۱۳۹۰: ۸۰).

با توجه به مطالب بیان شده، انسان در مقابل همه خلقت پاسخگو است، آن هم به دلیل واجد بودن شرایط ویژه‌ای است که در آفرینش هیچ موجودی دیده نمی‌شود. بر این اساس، یکی از کارهایی که در برنامه‌های جهانی مورد توجه قرار گرفته، آموزش محیط‌زیست است. این آموزش باید در تمام سطوح، یعنی از سطح آموزش‌های ابتدایی تا تحصیلات عالی دانشگاهی به اجرا درآید تا انسان مسئولیت خود را در برابر طبیعت بیابد و دریابد از آن چگونه بهره‌برداری نماید. آموزش برای محیط‌زیست عبارت از «آموزشی است که از لحاظ سبک و سیاق، زیست‌محیطی است و بر توسعه‌گرایش‌های آگاهانه به سوی موضوع محیط‌زیست تأکید می‌کند». اهداف آن فراتر از کسب مهارت‌ها و دانش‌های لازم است و به توسعه مشارکت مردم نیاز دارد تا بدان حد که ارزش‌هایی شکل بگیرند که بر رفتار تأثیر بگذارند. بنابراین هدف از آن گسترش‌گرایش‌ها و سطوحی از شناخت است که به اخلاق زیست‌محیطی شخصی منجر گردد، یعنی دانش‌آموزان طوری تحت آموزش قرار داده می‌شوند که اعمال آن‌ها و تأثیر مجموعه رفتار آن‌ها به‌طور

مثبت برای محیط‌زیست سودمند بشود (پالمر، ۱۳۸۲: ۲۱۰). تربیت زیست‌محیطی به مانند سایر انواع تربیت نظیر تربیت عقلانی، دینی، اجتماعی، سیاسی و غیره اهدافی را دنبال می‌کند. هرچند به نظر می‌رسد با حصول به هر کدام از انواع تربیت که در بالا نیز به مواردی از آن‌ها اشاره شده است، دستیابی به شناخت و نگرشی زیست‌محیطی دور از دسترس نیست؛ اما با توجه به پیچیدگی‌ها و مشکلات حال حاضر در زمینه ارتباط، نگهداری و حفاظت از طبیعت، تبیین اهداف و به دنبال آن، مبانی و اصول مرتبط ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس سؤالی که در این پژوهش مطرح است، این است که اهداف، مبانی و اصول تربیت زیست‌محیطی بر پایه فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟

روش پژوهش

روش پژوهش کیفی است. در این روش از الگوی بازسازی شده فرانکنا استفاده شده است. فرانکنا دو نوع گزاره را جهت تحلیل مباحث تعلیم و تربیت مطرح می‌کند: گزاره‌های هنجارین، که ماهیت تجویزی دارند و گزاره‌های واقع‌نگر، که به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. لازم به ذکر است از نظر فرانکنا گزاره‌های هنجاری که دارای ماهیت تجویزی‌اند سه گونه می‌باشند. گزاره‌های مربوط به اهداف تربیتی، گزاره‌های مربوط به اصول و گزاره‌های مربوط به روش‌های عملی که باید در تعلیم و تربیت به کار رود. گزاره‌های واقع‌نگر، دارای ماهیت توصیفی بوده به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. در الگوی فرانکنا، از قرار گرفتن مبانی و اهداف کنار هم، اصولی استخراج می‌شوند. در این الگو گزاره‌های واقع‌نگر حاوی «است» در کنار گزاره‌های هنجارین که می‌توانند هدف باشند قرار می‌گیرند و در نهایت اصل را به عنوان نتیجه می‌توان ارائه داد. مراد از «اصول تربیتی» دستورالعمل‌های کلی است که قاعده‌هایی برای فراهم آوردن دگرگونی‌های مطلوب در افراد به دست می‌دهند. برای استنتاج اصول تربیتی باید از اهداف تربیتی و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی، الهیاتی و علمی به منزله مقدمات یک استدلال قیاسی بهره جست که نتیجه آن اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود. قابل ذکر است که گزاره‌های واقع‌نگر با اصطلاح مبنا مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (باقری، ۱۳۸۹).

جدول ۱. ترکیب اصول از گزاره‌های توصیفی و گزاره‌های هنجارین

اصول	گزاره‌ها (هنجارین)	گزاره‌های توصیفی (واقع‌نگر)
	+ گزاره‌های هنجارین حاوی «باید»	گزاره‌های توصیفی حاوی «است»

جامعه تحلیلی این مطالعه کلیه پایگاه‌های اطلاعاتی، کتاب‌ها، طرح‌های پژوهشی و مقالات مرتبط در حوزه تربیت زیست محیطی و فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران که منبعث از قرآن، سنت، دیدگاه اندیشمندان مسلمان به‌خصوص ملاصدرا و تجارب بشری است می‌باشد که به‌طور هدفمند از این جامعه تحلیلی مواردی که مقولات پژوهش یعنی تربیت زیست محیطی، اهداف، مبانی و اصول را پوشش می‌داد، به‌طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات فرم فیش‌برداری براساس مقولات پژوهش است که همزمان با فیش‌برداری داده‌های حاصله به‌طور مستمر مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

مبانی نظری پژوهش فلسفه محیط‌زیست

سازمان‌های بین‌المللی حفاظت از محیط زیست، محیط‌زیست را محیطی می‌دانند که به انسان امکان بقای فیزیکی و فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می‌کند (بیانیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست انسان، ۱۹۷۲). زیرا انسان‌ها موضوع اصلی هرگونه توسعه هستند، برخوردار از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزء حقوق انسان‌ها در انطباق با طبیعت است (اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست و توسعه، ۱۹۹۲: اصل اول؛ ساعد و تیلا، ۱۳۸۹). الکساندر کیس^۱ معتقد است: اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی‌ای که آن را احاطه کرده است، اطلاق کرد. اصطلاح بیوسفر^۲ یا لایه حیاتی - که یونسکو، خصوصاً آن را به کار می‌برد - با یکی از وسیع‌ترین

1. Alexander Kiss
2. Biosphere

تعریف‌ها مطابقت دارد که عبارت است از «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه حیات در آن جریان دارد» (کیس، ۱۳۷۹: ۵). شورای اقتصادی اروپا، محیط‌زیست را شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده معرفی کرده است» (کیس، ۱۳۷۹: ۶). محیط‌زیست در قوانین ایران این گونه معرفی شده است: «فضایی با تمام شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست‌کننده در آن را شامل می‌شود و مجموعه روابط بین آن‌ها را در برمی‌گیرد» (مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست ایران، ۱۳۷۹). فلسفه محیط‌زیست در کنار اخلاق محیط‌زیست، مکتبی در فلسفه است که راجع به ارزش‌ها و چرایی مسئله حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و به ویژه درباره حق اشیا و ارزش سیستم‌های غیرانسانی محیط و تعهد اخلاقی انسان‌ها نسبت به حفاظت از آن بحث می‌نماید (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

در مورد پیشینه و نحوه بروز این مسئله نیز باید خاطر نشان کرد که نخستین زنگ خطر در باب بحران محیط‌زیست را آلدو لئوپولد^۱ (۱۸۸۷-۱۹۴۸) به صدا در آورد و خواستار توجه به زمین و تأکید بر «اخلاق زمین» شد و ایده «اخلاق زمین» را پیش کشید و یادآور شد: «لازمه اخلاق زمین، آن است که ما از فاتحان و استعمارگران زمین، به ساکنان آن تغییر نقش دهیم و به آن احترام بگذاریم». کالیکوت^۲ (۲۰۰۶) در تحلیل دیدگاه لئوپولد یادآور شد با همه اهمیتی که ملاحظات وی داشته است به دلیل آن که وی نه فیلسوفی حرفه‌ای، بلکه عمدتاً کارشناس محیط‌زیست بود، نوشته‌اش آن گونه که باید، مستدل و قانع‌کننده و تاثیرگذار نبوده است. به همین سبب، این بحث نیازمند کار فیلسوفانه بیشتری می‌باشد (لئوپولد، ۲۰۰۱).

دومین و جدی‌ترین زنگ خطر را کارسون^۳ در کتاب «بهار خاموش» به صدا درآورد. این کتاب، همدلی گسترده‌ای را در میان حامیان و هواخواهان محیط‌زیست پدید آورد و مسائل تخصصی بوم‌شناسی یا اکولوژی را به عرصه عمومی کشاند و مفاهیم اساسی آن را به زبانی ساده برای عامه مردم شرح داد. هرچند لئوپولد و کارسون، فیلسوف و متخصص اخلاق نبودند، اما با مطالعات و داده‌های عینی، تجربی و علمی خود، زمینه

1. Aldo Leopold
2. Callicott
3. Rachel Louise Carson

کار جدی نظری و فلسفی را برای اخلاق زیست محیطی فراهم آوردند. در این میان ولک و مکبث^۱ (۱۹۹۷) سواد زیست محیطی را نیز شامل شش مؤلفه اصلی دانسته است: دانش زیست محیطی، دانش سیاسی-اجتماعی، دانش مسائل زیست محیطی، مهارت‌های عاطفی، مهارت‌های شناختی و رفتارهای مسئولانه زیست محیطی که جنبه‌های معرفت‌شناسانه محیط زیست را شامل می‌شود (عظیمی، غلامی و رامین‌آزاد، ۱۳۹۲). اور^۲ (۱۹۹۲) اصطلاح **سواد بوم‌شناختی**^۳ را مطرح و آن را موضوع یک سلسله اعمال، فعالیت‌ها و احساس‌ها (نگرش‌ها) که ریشه در دانشی عمیق دارد، تعریف کرد. از این رو نه تنها زبان محیط زیست را باید فهمید، بلکه دستور زبان، ادبیات و معانی بیان آن را هم باید آموخت؛ و این به معنای درک اصول علمی و تکنولوژی، نظام‌های ارزشی و نهادی و اجتماعی محیط زیست و کنش‌ها و واکنش‌های معنوی (اخلاقی)، زیباشناختی و عاطفی است که محیط زیست در همه ما برمی‌انگیزد که بیانگر جنبه‌های مربوط به ارزش‌شناسی، اخلاق و زیبایی‌شناسی محیط زیست است. امروزه در سطح جهانی به دلیل اهمیت این موضوع رویکردهای مختلفی شامل هیات زیست محیطی، هرمنوتیک زیست محیطی، اخلاق زیست محیطی، زیبایی‌شناسی زیست محیطی و فمینیسم بوم‌شناختی (اکوفمینیسم) یا جنبش زنانه محیط زیست مطرح شده‌اند.

الهیات زیست محیطی

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، واژه الهیات به علمی که درباره خدا و درباره شالوده ایمان دینی است، اطلاق شده است. در واقع الهیات طبیعی، پژوهشی است که از علوم طبیعی برگرفته می‌شود (به نقل از بروک^۴، ۱۳۸۲: ۳۹). بدین‌سان، واژه طبیعی، نشانه لزوم توجه اساسی به جهان طبیعت خواهد بود. در واقع از اوایل قرن بیستم نگرش‌های انتقادی نسبت به رویکرد جهان جدید به طبیعت، آرام آرام شکل گرفت و نظریه «مهار طبیعت به نفع انسان»، جای خود را به «هم‌سخنی انسان با طبیعت» داد. پس هرگاه از زاویه دین و الهیات از جمله الهیات طبیعی به مسائل زیست محیطی نظر کنیم، نگرش

1. Volk & McBeth
2. Orr
3. Ecological literacy
4. Brooke

خاصی به نام الهیات زیست‌محیطی رقم می‌خورد. جاکوبوس^۱ (۲۰۰۴) یادآور شد نگرش زیست‌محیطی به بررسی رابطه خدا با محیط‌زیست می‌پردازد و منظور این خواهد بود که انسان باید به درک درستی از رابطه خدا با جهان هستی و علی‌الخصوص طبیعت و موجودات برسد. علی‌رغم آن که هشدار نسبت به رعایت سلامت و صیانت محیط‌زیست طبیعی، در تاریخ ادیان الهی یکی از اصلی‌ترین تعلیمات را تشکیل داده است، اما بحران محیط‌زیست طبیعی، مشکل اصلی و دغدغه خاطر بشریت امروز را تشکیل می‌دهد. ریشه اصلی این بحران را در زمان معاصر، باید در نگاه و تفسیر بشر از محیط‌زیست طبیعی او جست و جو کرد. به دیگر سخن مشکل اصلی، در معرفت‌شناسی و جهان‌بینی آدمی است. علم‌باوری افراطی و یا به تعبیر دیگر تکیه بر نگاه علم‌گرایانه خشک، جامد و فاقد هرگونه پشتوانه معنوی، تفسیر و تبیین جهان از دریچه تنگ علوم تجربی که ارمغان عمده و دست‌آورد تحولات صنعتی در قرون اخیر است، عامل عمده هلاکت و فساد و تباهی محیط‌زیست طبیعی بشریت گشته است (محقق‌داماد، ۱۳۷۹: ۷-۱۰).

هرمنوتیک زیست‌محیطی

هرمنوتیک در سیر تاریخی خود، معانی و تفاسیر گوناگونی به خود گرفته است. در قرون وسطی، به معنای تفسیر و تأویل کتاب مقدس بوده است. از قرن نوزدهم، هرمنوتیک به صورت یک دانش مورد توجه جدی قرار گرفت. شلایرماخر^۲ (۱۸۳۴-۱۷۶۸) هرمنوتیک را در علم فهم زبان و قواعد عام تفسیر و نقد متون تعریف نمود. دیلتای^۳ (۱۹۱۱-۱۸۳۳) فیلسوف آلمانی، به بسط و گسترش رویکرد شلایرماخر و ارتباط هرمنوتیک با نگرش تاریخی پرداخت. هایدگر^۴ (۱۹۷۶-۱۸۸۹) با مربوط ساختن هرمنوتیک با دیدگاه خاص فلسفی خود، که فهمی هستی‌شناسانه است، دیدگاه متفاوتی مطرح نمود (کاکلمانس^۵، ۱۳۸۰: ۲۵). گادامر^۶، ریکور^۷ و دریدا^۸، علی‌رغم اختلاف نظرهای فراوانی که درباره فهم و تفسیر با یکدیگر داشتند، هرمنوتیک را از سطح روش‌شناسی به بلندای هستی‌شناسی

1. Jacobus
2. Schleiermacher
3. Dilthey
4. Kockelmans
5. Gadamer
6. Ricœur
7. Derrida

فهم برکشاندند(عباسی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

هرمنوتیک زیست محیطی، موضعی نسبتاً جدید در فلسفه محیط زیست است که به دنبال گسترش محدوده فهم به محیط زیست می باشد. نقطه شروع این ایده آن جاست که جهانی که ما در آن سکنی گزیده ایم، به تفسیر و القای معانی پرداخته است. هرمنوتیک زیست محیطی، نقش تفسیر و تعارض تفاسیر در روابط انسانی با محیط زیست را بررسی می کند و توضیح می دهد که این ها چگونه با مفهوم «هویت زیست محیطی» در هم تنیده اند(درنتن، ۲۰۱۶: ۲-۱). گادامر و ریکور(به نقل از درنتن، ۲۰۱۶) نشان داده اند که انسان نه تنها خود را از طریق متون و روایات درک می کند، بلکه از طریق مکان های معنی دار نیز به شناخت خود دست پیدا می کند. علاوه بر این هرمنوتیک زیست محیطی به عنوان یک نظریه انتقادی نیز دارای کاربردهای فراوانی است. رویکرد فن سالارانه حاکم بر مدیریت چشم انداز و یا رویکرد رمانتیسیم(خیال پردازی) بیش از حد ساده و بی تکلف برخی از روایات سرزمین های غیر قابل سکونت شهری را برجسته می کند. هرمنوتیک هم چنین در ارائه یک چشم انداز جدید در موضوع حسن گفتار و رفتار زیست محیطی، تفکر پیرامون مسئله عدالت زیست محیطی و هم فکری در مورد محیط زیست شهری و اخلاق مراقبت از اماکن باستانی و تاریخی تأثیر گذار است. هرمنوتیک زیست محیطی با صحنه گذاشتن بر تفسیرهایی که ما خود از مکان زندگی مان داریم، زمینه روایت مداوم و همیشه متغیر را از آن چه ما می توانیم خودمان درک کنیم، ارائه می کند.

اخلاق زیست محیطی

اخلاق زیست محیطی از علوم بین رشته ای است که از یک نظر زیر رشته فلسفه و از نظر دیگر زیر مجموعه محیط زیست است که پیشینه نضج آن به اوایل دهه هفتاد میلادی(۱۹۷۰) بازمی گردد. محور اصلی این رشته، بررسی ارزش ها و بایسته های اخلاقی در طبیعت و محیط زیست آدمی و زندگی انسان و ارزش های مثبت و منفی جاری در این محیط؛ و همچنین کاوش در ماهیت دیگر موجودات غیر انسانی از حیث ارزشی و چگونگی روابط انسان است(نلسون، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۱). دیو(۱۳۷۸) در

1. Drenthen
2. Nelson
3. Dave

تعریفی از این مفهوم می‌گوید: «اخلاق زیست‌محیطی، شاخه‌ای از فلسفه کاربردی و از حیطه‌های اساسی اخلاق زیستی محسوب می‌شود که قادر است تا در میان مجموعه پیچیده‌ای از واقعیات سرگردان تجربی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های انسانی، داوری کند(عابدی‌سروستانی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۱). هم‌اکنون اخلاق‌پژوهان زیست‌محیطی را می‌توان به چند گروه متمایز تفکیک کرد. آنچه این گروه‌ها را به‌طور جدی از یکدیگر متمایز می‌سازد، در میزان ارزشی است که برای طبیعت قائل‌اند؛ که معیار و شیوه‌هایی که به هنگام گرفتاری‌ها و بلایای زیست‌محیطی ابراز می‌کنند، متفاوت است. در ادبیات اخلاق زیست‌محیطی پنج نظام اخلاقی وجود دارد که عبارتند از: انسان‌محوری^۱، جانورمحوری^۲، زیست‌محوری^۳، ملاحظه‌عموم^۴ و کل‌گرایی اخلاقی که طرح این نظام‌ها از حوصله این مقاله خارج است.

زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی

زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی از شاخه‌های جدید و مهم زیبایی‌شناسی است که در اواخر سده بیستم پدید آمد. کارلسون علت ظهور زیبایی‌شناسی محیط‌زیست را چنین بیان نمود: زیبایی‌شناسی تحلیلی با یکسان تلقی کردن زیبایی‌شناسی فلسفی و فلسفه هنر، تقلیل زیبایی‌شناسی طبیعت به زیبایی‌شناسی هنر و عدم توجه به درک زیبایی‌شناختی طبیعت، واکنش‌هایی را در جهت تاسیس و استقلال زیبایی‌شناسی محیط‌زیست برانگیخت. بدیهی است که به منظور ایجاد یک قلمرو نظری جدید به عنوان زیبایی‌شناسی محیط‌زیست، نمی‌توان بر همان رویکردی تکیه کرد که مبنای زیبایی‌شناسی تحلیلی است. از همین رو، نیاز به دیدگاه‌های دیگری است که می‌توان آن‌ها را زیبایی‌شناسی تعاملی یا رویکرد شناختی نامید(کارلسون، ۱۳۸۸: ۲۹۱). لازم به ذکر است تجربه زیبایی‌شناختی جهان با زیبایی‌شناختی هنر بسیار متفاوت است؛ به‌طوری که ارزیابی‌کنندگان حتی اگر کاملاً و عمیقاً جذب نشوند، با ابژه‌هایی رو به رو می‌شوند که بر تمام حواس‌شان اثر می‌گذارد، آن‌ها مدام در حرکت‌اند، محدود به زمان

1. Anthropocentrism
2. Zoocentrism
3. Biocentrism
4. Universal Consideration

و مکان نیستند، ماهیت و معنایی پیش‌بینی‌ناپذیر دارند. ارزیابی‌کنندگان در دل این ابژه‌ها و در میان آن‌ها قرار دارند، کارشان ارزیابی و شناخت زیبایی‌شناختی آن‌هاست. بنابراین برای ارزیابی زیبایی‌شناختی جهان، زیبایی‌شناسی محیط‌زیست باید با طرح پرسش‌های بنیادین درباره این که چه چیز را باید ارزیابی کرد و ارزیابی چگونه باشد؟ آغاز شود. این پرسش‌ها برای حوزه زیبایی‌شناسی محیط‌زیست بسیار بنیادی‌اند و مسئله فلسفی اصلی این است که برای پاسخ به این پرسش‌ها چه منابعی در دسترس ماست؟

جنبش زنانه محیط زیست (اکوفمینیسم)

فمینیسم بوم‌شناختی یا اکوفمینیسم از جمله نگرش‌های اجتماعی در رابطه با فمینیسم، صلح و اکولوژی می‌باشد. اگر چه این اصطلاح اولین بار توسط فرانسوا دوین^۱ به کار گرفته شد، اما بعداً زمینه‌ای برای اعتراض رسمی در مقابل تخریب محیط‌زیست گردید (میس و شیوا^۲، ۱۹۹۳). درحقیقت اکوفمینیسم در اواسط دهه ۱۹۷۰ در کنار موج دوم فمینیسم و جنبش سبز در غرب مطرح گردید (نوذری، ۱۳۸۹). در واقع فمینیسم طرفدار محیط‌زیست یا اکوفمینیسم پروژه‌ای سیاسی است که هدف آن بازیابی در رابطه مردان با طبیعت و نیز رابطه آن‌ها با زنان است. نقطه عزیمت آن نیز تأکید بر شباهت میان سلطه و ستم مردان بر طبیعت، بر زنان و نیز نزدیکی زنان با طبیعت است. برخی از اکوفمینیست‌ها این نزدیکی را بر مبنای زیست‌شناختی و برخی بر مبنای تفاوت‌های اجتماعی توضیح داده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۵).

فمینیسم اکولوژیکی مدعی است که هر نوع تفکر فمینیستی و زیست‌محیطی که چنین روابط مهمی را به حساب نمی‌آورد، کاملاً در اشتباه است. تبیین این روابط، به ویژه رابطه زن و طبیعت و تعیین آنچه به‌طور بالقوه موجب رهایی زن و طبیعت غیرانسانی می‌شود، اساسی‌ترین طرح فلسفه اکوفمینیسم است. این گفتار بر روابط عملی و تجربی میان زن و طبیعت تکیه دارد. آن چه اکوفمینیسم را از فمینیسم متمایز می‌کند، تأکید اکوفمینیسم بر طبیعت غیرانسانی و طبیعت‌گرایی و به عبارت دیگر، تسلط توجیه‌ناپذیر بر طبیعت است (صالحی و لطفی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰). اما با تمام این

اوصاف این‌ها دلایلی مبنی بر پدید آمدن طیفی در جامعه در مقابل مردان نیست. به تعبیر انصاری (۱۳۸۹)، برای مبارزه با تخریب محیط‌زیست باید نگرش‌مان را سیستمی کنیم تا بتوانیم بر انعطاف و تغییرپذیری در راستای یک پویش دم افزون حرکت کنیم. نگاه‌های تک‌علتی و مکانیکی چاره‌ساز نیستند، بلکه باید در راستای فرآیندی ارگانیک که به‌طور طبیعی هر دو - طبیعت زنانه و عقل مردانه - را نشانه می‌رود، گام برداشت. علاوه بر این، طاهری‌پور، جاویدی، باقری و نقی‌زاده (۱۳۹۵) در نقد این رویکرد اشاره دارند که رویکردهای اکوفمینیستی که بر پایه شباهت میان زنان و طبیعت شکل گرفته‌اند، جنبه قدسی و معنوی طبیعت را مورد بی‌توجهی قرار داده و به دلیل عدم توجه به خداوند، به عنوان حلقه وحدت بخش جهان هستی، نتوانسته‌اند مفهوم حمایت از محیط‌زیست را به درستی بنمایانند.

مبانی فلسفه تربیت اسلام جمهوری اسلامی ایران

فلسفه تربیتی جمهوری اسلامی ایران، فلسفه‌ای است که برای شناخت و تنظیم مبانی اساسی تربیت بر دیدگاه مبتنی بر جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام تکیه کرده است. زیرا گزاره‌های بنیادی برگرفته از نصوص دینی اسلام که به توصیف خداوند و تبیین حقیقت هستی و جهان می‌پردازد، نه تنها به عنوان مبانی اساسی تربیت در نظر گرفته می‌شوند، بلکه پس از قبول عقلانی اصل دین و براساس لزوم هماهنگی یافته‌های عقل با داده‌های وحی، باید مفاد قطعی تعالیم قطعی دین را محور اصلی و مصباح حقیقی فهم مبانی تربیت به‌شمار آورد. بر این اساس مبانی تربیت جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل و مدون است که به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، در جامعه اسلامی ایران به شکلی جامع، سازوار، به هم پیوسته و با تکیه بر مبانی اساسی معتبر و متناسب با نظام فکری و ارزشی مقبول در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد تا بتواند به مثابه چارچوب نظری کلان برای هدایت انواع تربیت و سامان‌دهی نهادها و فعالیت‌های تربیتی جامعه اسلامی ایران در دوران معاصر نقش آفرین باشد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

نکته مهم و قابل توجه در تدوین مبانی تربیت جمهوری اسلامی ایران این است که نخست با استفاده از منابع معتبر دینی - یعنی تعالیم اسلامی برگرفته از قرآن کریم و سنت معتبر، معارف اصیل اسلامی (بیانات روش‌مند عالمان مسلمان در مقام شرح و تفسیر

تعالیم اسلامی) با تحلیل و تقریر دیدگاه‌های مشهور در بین فیلسوفان مسلمان (به‌ویژه پیروان حکمت متعالیه صدرایی) و نیز با مراجعه به تحقیقات پیشین در زمینه تبیین مبانی فلسفی تربیت از منظر اسلامی، مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل دینی و فلسفی را تحت عنوان مبانی اساسی تربیت استخراج و متناسب با مباحث فلسفه تربیت با نگاهی ترکیبی نسبت به این مبانی اساسی، به تلخیص و با هم‌نگری آن‌ها اقدام شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

مبانی نظری سند تحول بنیادین مبانی اساسی تربیت را برحسب موضوع به پنج بخش تقسیم نموده است که عبارتند از: مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی ارزش‌شناسی و مبانی دین‌شناسی. در بحث تربیت زیست محیطی از جمله مبانی که نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند عبارتند از: مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی.

مبانی هستی‌شناسی: قلمرویی از دانش فلسفی است که موضوع آن تبیین چیستی و چرایی واقعیت وجود (بیان هستی و علت غایی آن) است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به‌طور مدلل و مبرهن مطرح شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

مبانی انسان‌شناسی: بخش از مبانی هستی‌شناختی است که درباره انسان به عنوان یکی از عناصر سه‌گانه هستی (خداوند، عالم و انسان) بحث می‌کند که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد بشر یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی (علم‌النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

مبانی ارزش‌شناسی: قلمرویی از مباحث نظری فلسفه است که موضوع آن چیستی و چرایی و چگونگی ارزش‌ها و چگونگی تحقق آن‌ها براساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن) است، که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی یا از منابع بیانگر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام به عنوان اصول موضوعه اخذ شده‌اند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

جایگاه تربیت زیست محیطی در مبانی فلسفه تربیت اسلامی

بررسی مفهوم تربیت در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) حاکی از این است که «هدایت و رشد انسان‌ها، حیات طیبه، تقوی، قرب و عبودیت» به عنوان اهداف غایی تعلیم و تربیت اسلامی مطرح شده است. از این رو «هنجار نمودن روابط انسان با طبیعت» نیز به عنوان یک هدف واسطه‌ای مطرح می‌گردد. چرا که، اهداف غایی تعلیم و تربیت اسلامی با این مسأله ارتباط طولی داشته و همواره سایه‌هایی از آن‌ها بر این هدف قرار دارد. از این رو «سازگار نمودن روابط انسان با محیط زیست» از جمله اهدافی است که حکومت اسلامی باید از طریق تعلیم و تربیت اسلامی به آن پردازد (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۲). فردی که اندک بهره‌ای از لطافت در خود سراغ داشته باشد، از آراستگی بی‌نظیر طبیعت که نشان از هماهنگی درونی اجزای آن با یکدیگر، دارا بودن نظام غایی اجزای طبیعت (هدف‌مندی جزء جزء عناصر طبیعت) و بهره‌مندی از نظام فاعلی مدبر دارد، حظی وافر برده و روح تشنه معرفت خویش را سیراب نموده تا به قرب الهی که هدف والای آفرینش است، سوق یابد (بیدهندی کرباسی‌زاده و شیراوند، ۱۳۸۹: ۱۰).

اسلام، محیط‌زیست را واحدی غیرقابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین انسان و محیط‌زیست در جهان هستی، جدائی قائل نیست. این رویکرد ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، یعنی جهان و آنچه در اوست، ماهیت «از اویی» (انالله) و «به سوی اویی» (انا الیه راجعون) دارد. طبیعت و محیط‌زیست به عنوان نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این «خلیفه» را آن‌گونه که شایسته اوست، نسبت به آن‌ها متعهد می‌نماید (فهیمی، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

نصر (۱۳۷۹) در مورد نوع نگاه به طبیعت یادآور شده است: نگرش اسلامی و قرآنی به محیط زیست، با آنچه در چند سده اخیر در غرب شایع بوده، بسیار متفاوت است. او پیش نیاز فهم آموزه‌های قرآنی درباره طبیعت و محیط را پرداختن به برداشت قرآن از دو مفهوم کلیدی انسان و طبیعت می‌داند؛ و بیان می‌کند که برای طبیعت می‌توان جایگاهی قدسی در قرآن یافت. همان‌گونه که قرآن طبیعت را در نهایت یک تجلی الهی بر انسان می‌داند که خداوند را هم محبوب می‌دارد و هم مکشوف می‌سازد، شکل‌های طبیعت نیز نقاب‌های بسیاری اند که صفات متنوع

خدایی را می‌پوشانند؛ در عین حال برای آنان که چشم باطن‌شان کور نشده است، همان صفات را مکشوف می‌سازند. آن‌گونه که خداوند در قرآن محیط علی‌الاطلاق خوانده شده است (نساء، ۱۲۶). این که واژه محیط به معنای محیط پیرامون هم هست، از اهمیت بسیاری برخوردار است. ذکر خداوند نیز یعنی دیدن او در همه جا و تجربه کردن واقعیت او به منزله محیط بودن و البته بردن نام خداوند ذکر جلی است (نصر، ۱۳۷۹: ۲۱۷-۲۱۴).

خداوند هستی را چنان آفریده که در عین زیبایی وصف‌ناشدنی و حیرت‌آورش از وحدتی خارق‌العاده برخوردار است. متون دینی صحنه زیبای آفرینش^۱ را جلوه‌گاه تجلیات^۲ خدای یکتایی می‌داند که هستی را چنان تودرتو و دارای نظام درونی و بیرونی معرفی می‌نماید که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی با هدفی مشخص، کاشف از نظام فاعلی^۳ عالمانه و نظام غایی^۴ حکیمانه می‌باشد (بیدهندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). مسلمان معتقد به قرآن همواره به طبیعت، به منزله آیات سبز قدسی و بازتاب دهنده واقعیت‌هایی از بهشت در جهان خاکی، عشق می‌ورزیده و از آن درس‌ها می‌آموخته است (جانگیر، ۱۳۹۰: ۶۹). بنابراین نه تنها آموزه‌های دینی به پردازش صحیح ارتباط نیات و اعمال انسان با حوادث زیبا و نازیبای طبیعت پرداخته، بلکه پیشرفت‌هایی که در علوم مختلف زیستی برای بشر حاصل شده به این نوع گزارش‌دهی گواهی می‌دهند (بیدهندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰).

بر این اساس، همان‌گونه که بیشترین توجه دین‌داران به رابطه بین انسان و خدا اختصاص یافته است؛ اگر کاوشی در عرصه متون دینی انجام شود، می‌توان به یک نگاه دیگر که شمولیت زیادی نیز دارد، دست پیدا کرد. بنابراین فهم این رابطه دو جانبه بین خدا و طبیعت از درون دین، می‌تواند مشخص‌کننده نوع رفتاری باشد که مخلوقات نظیر انسان باید با طبیعت داشته باشند.

براساس آموزه‌های دینی، رابطه بین انسان با طبیعت باید از جنس رابطه بین بخشی از هستی با بخش دیگر باشد و هریک به عمران و آبادانی دیگری مدد رسانند.

1. creation
2. theophany
3. subjective
4. ultimate

اما وضع آن‌گاه دچار پریشانی می‌گردد که انسان با استفاده از توانایی‌های خدادادی خویش به تخریب و نابودی طبیعت و محیط‌زیست پیرامونی خویش دست زند. به قول نصر (۱۳۸۶) بحران محیط‌زیست، حاصل فراموشی تقدس حیات است. اغلب آیین‌های بزرگ در خصوص نظر پیرامون نظام طبیعت و دین بسیار شبیه هم هستند (بیدهندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین، آن‌چه از گزاره‌های دینی افاده می‌شود، این است که رابطه بین انسان و طبیعت رابطه‌ای تنگاتنگ و از سر نیاز است. این‌گونه که آن‌ها از نحوه ارتباط بین این دو به «تعامل استکمالی بین‌الطرفینی انسان و طبیعت» تعبیر می‌کنند و بیان می‌کنند که انسان دو بُعدی هم می‌تواند از مواهب مادی طبیعت بهره‌مند گردد و هم از زیبایی‌های معنوی آن. طبیعت نیز علاوه بر زیبایی‌های معنوی از چنان ذخایر مادی برخوردار است که قادر است دامن پرمهر خویش را بر تمام انسان‌ها بگستراند و مواهب خویش را از ایشان دریغ ننماید. از سوی دیگر انسان نیز باید با منطق صحیح استفاده از این مواهب نه تنها از افراط پرهیز نماید، بلکه بیش از پیش به عمران و آبادانی آن همت گمارد.

یافته‌ها

از اهداف اساسی این مطالعه استخراج اهداف، مبانی و اصول تربیت زیست محیطی براساس مبانی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران است که به ترتیب یافته‌های حاصل در قالب اهداف، مبانی و اصول تربیت زیست محیطی عرضه شده است.

اهداف تربیت زیست محیطی

در این مطالعه اهداف تربیت زیست محیطی در فلسفه تربیت، از سه بُعد هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است که در جدول ۲ به تصویر کشیده شده است.

جدول ۲. اهداف تربیت زیست محیطی براساس فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران

اهداف	حوزه‌ها
شناخت طبیعت به عنوان تجلی‌گاه خداوند	هستی‌شناسی
آگاهی به نظم و هدفداری طبیعت	
معرفت به یکپارچگی و وحدت عوالم هستی	
باور به تسلیم بودن طبیعت و تسبیح جهان خلقت و موجودات	
درک منزلت تسخیر هستی	انسان‌شناسی
درک مفهوم خلافت و جانشینی انسان در زمین	
باور به کرامت انسان در مقابل سایر مخلوقات	
شناخت عقلانیت انسانی با تفکر در آفرینش و طبیعت	
توجه به مسئولیت انسان در گستره طبیعت (ادای حق طبیعت به عنوان حق خداوند)	ارزش‌شناسی
باور به قاعده اخلاق زیست‌محیطی و رعایت حریم اخلاقی	
توجه به زیبایی طبیعت به عنوان جلوه‌ای از زیبایی خالق	

تحلیل یافته‌های جدول فوق حاکی از این است که در ذکر اهداف تربیت زیست‌محیطی هرچند در نظر می‌آید که این اهداف، باید اهدافی مقدماتی و ابتدایی باشند تا ما را جهت رسیدن به اهداف غایی و متعالی رهنمون سازند؛ اما آنچه در اینجا به عنوان اهداف نام برده شده است، احتمالاً تفاوتی ماهوی با هدف غایی خلقت ندارند، گو این که تربیت انسان برای مواجهه با هستی و نمودهای طبیعی که مخلوقات مستقیم خداوند هستند، شناختی می‌طلبد که در ابتدا با شناخت خداوند امکان‌پذیر خواهد بود.

حوزه هستی‌شناسی

فلسفه تربیت اسلامی از جهان هستی به عنوان نظامی سخن می‌گوید که براساس قوانین پابرجایی در حال گردش است و این قوانین به امر خداوند استوار هستند.

طبیعت نیز بخشی از جهان هستی است و از آن تبعیت می‌کند، دارای انتظام خارق‌العاده‌ای بوده و تحت کنترل قدرت لایزال و پابرجای خداوند است. قرآن کریم با ایجاد چنین نگرشی به انسان می‌آموزد که جهان هستی همواره برای حمایت و بقای فرآیند حیات (کل حیات و به ویژه حیات بشر) در تلاش است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). بدین روی با توجه به ویژگی‌های آفرینش و جهان طبیعت، انسان برای شناخت بهتر جهان و پدیده‌ها و مخلوقات موجود در آن، که به نوعی در آیات و روایات نیز مشهود است، اهدافی را مد نظر قرار داده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است: شناخت طبیعت به عنوان تجلی‌گاه خداوند، آگاهی به نظم و هدف‌داری طبیعت، معرفت به یکپارچگی و وحدت عوالم هستی، باور به تسلیم بودن طبیعت و تسبیح جهان خلقت و موجودات، درک منزلت تسخیر هستی.

حوزه انسان‌شناختی

در فلسفه تربیت اسلامی انسان دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است که او را از سایر مخلوقات و پدیده‌ها جدا می‌کند. آدمی با دارا بودن دو جنبه مادی و غیرمادی جسم و روح در کنار هم در عین وحدت وجود، فطرت ربوبی (خلقت خاص) داشتن، توانایی تفکر و تعقل، آزادی تکوینی و اراده و اختیار، مکلف و مسئول در برابر خدا و خلقت و نیز صاحب کرامت، خلیفه خدا بر روی زمین می‌باشد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). این ویژگی‌ها در جای جای قرآن آمده است، از آن جمله: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ...» (انعام، ۲). «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (اعراف، ۱۸۹). «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (جاثیه، ۱۳). «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...» (اسراء، ۷۰). به عنوان نمونه برخی از آیات قرآن موارد بالا را تأیید می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۹). «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأْمَسُوا فِي مَنَاجِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک، ۱۵). براساس مبانی فوق اهداف تربیت زیست محیطی عبارتند از: درک مفهوم خلافت و جانشینی انسان در زمین، باور به کرامت انسان در مقابل سایر مخلوقات، شناخت عقلانیت انسانی با تفکر

در آفرینش و طبیعت و توجه به مسئولیت انسان در گستره طبیعت (ادای حق طبیعت به عنوان حق خداوند).

حوزه ارزش‌شناسی

سومین نوع مبانی دینی که در تربیت زیست محیطی جایگاه ویژه‌ای نیز دارد حوزه ارزش‌شناختی، در واقع شکوفایی استعداد‌های ارزشی و اخلاقی در انسان است. جریان تعلیم و تربیت چیزی جز به‌ظهور رساندن استعداد‌های انسان‌ها نیست. بنابراین، یقیناً انسان واجد استعداد ذاتی برای اخلاق‌ورزی و ارتقای ارزشی می‌باشد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). دارا بودن استعداد ذاتی در مسائل ارزشی و اخلاقی نزد انسان و ارزشمند بودن طبیعت از سوی دیگر، لزوم توجه به مبانی فلسفی را در موضوع تربیت زیست محیطی آشکار می‌سازد. با نگاهی به نظام ارزشی اسلام و سرچشمه آموزه‌های دینی، یعنی قرآن، نهج البلاغه و سایر نصوص دینی باید مبانی مرتبط را جهت ایجاد گرایش‌های ارزشی شناسایی کرد. قرآن کریم در برخی آموزه‌های خود، باید و نباید را درکنار هم مطرح کرده و به بهره‌مندی از محصول طبیعت امر نموده است، در مقابل عدم تعادل در مصرف آن و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند می‌شمرد: «...وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، زیرا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (اعراف، ۳۱). اهدافی که از این مبانی ارزش‌شناسانه قابل استنتاج است عبارتند از: باور به قاعده اخلاق زیست محیطی و رعایت حریم اخلاقی و توجه به زیبایی طبیعت به عنوان جلوه‌ای از زیبایی خالق.

مبانی تربیت زیست محیطی

دیگر یافته این پژوهش استخراج مبانی تربیت زیست محیطی براساس مبانی فلسفه تربیت اسلامی است که یافته‌های حاصل در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. مبانی تربیت زیست محیطی براساس فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران

حوزه‌ها	مبانی
هستی‌شناسی	تجلی خداوند در طبیعت
	نظام مندی و هدفمندی جهان طبیعت
	وحدت عوالم هستی
	عالم و طبیعت، تسلیم و مسبح حق تعالی
انسان‌شناسی	طبیعت، مسخر انسان
	انسان، خلیفه الله
	عقلانیت انسان
ارزش‌شناسی	مکلف و مسئول بودن انسان در حفاظت از طبیعت
	قاعده اخلاق زیست‌محیطی جذبه زیبایی طبیعت

تحلیل داده‌های جدول فوق حاکی از این است که مبانی تربیتی زیست محیطی عبارتند از:

مبنای اول: تجلی خداوند در طبیعت

تجلی خداوند در طبیعت از مبانی تربیت زیست محیطی است. نظریه تجلی مهم‌ترین بحثی است که به معنادار بودن جهان و هوشمند بودن عالم هستی و ارزشمند بودن عناصر طبیعی اشاره دارد و در وادی فلسفه و عرفان مطرح شده است، اما در قرآن وجود جهان و پدیده‌ها مفروض گرفته شده و هر انسانی به مشاهده آفرینش و نیز اندیشیدن در آن دعوت گردیده است، حال آنکه بارزترین دلیل بر تجلی خداوند آیه شریفه ۱۴۳ سوره اعراف می‌باشد. «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَانِي وَ لَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ...؛ براساس این آیه این تجلی خاص خداوند بوده است و عالم محل تجلی عام خداوند است. در کلام حضرت علی(ع) نیز موضوع تجلی در خطبه ۱۰۷ مورد اشاره قرار گرفته است. امام(ع) می‌فرمایند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي

لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ. بدین روی تجلی خداوند در طبیعت و موجودات آن اشاره به اهمیت این مخلوقات دارد و تفسیری انسانی را می‌طلبد که در اغلب آیات الهی قرآن به تفکر و تعقل در آن دعوت گردیده است. پس براساس این ویژگی طبیعت، انسان باید به گونه‌ای به آن نظاره‌گر باشد که طبیعت را به مانند آموزگار و مربی بداند که از او می‌آموزد و در ورای آن خالق می‌یابد که جلوه‌های بی‌نهایت خود را این‌گونه به او نشان می‌دهد.

مبنای دوم: نظام‌مندی و هدفمندی جهان طبیعت

قرآن کریم در موارد گوناگونی از تمامی کائنات و اجزای تشکیل دهنده طبیعت به عنوان یک کل یاد می‌کند و چه‌بسا بتوان از چنین تعبیری دریافت که تک‌تک اجزای طبیعت با هم یک نظام را تشکیل می‌دهند که هر کدام از این نظام‌ها از اجزای متفاوتی تشکیل شده‌اند و می‌توانند با یک دیگر تعامل داشته باشند، به گونه‌ای که هر جزء هدف خاص خود را دارد، در مجموع، کل اجزا با هم نیز دارای هدف ویژه‌ای است (علوی، ۱۳۹۱: ۱۷). در قرآن نیز آمده است:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ...؛ خداست آن ذات پاکی که آسمان‌ها را چنان که می‌نگرید، بی‌ستون برافراشت، آن‌گاه بر عرش (قدرت بر وجود کل) قرار گرفت و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را منظم می‌سازد و آیات (قدرت) را با دلایلی مفصل بیان می‌دارد، باشد که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید» (رعد، ۲). از این رو آفرینش خداوند برای هر پدیده به نحو احسن صورت پذیرفته است و همه آن‌ها برای بهره‌گیری انسان در جهت پیمودن کمال نهایی آفریده شده‌اند. انسان نیز باید به طور صحیح از این نعمت‌ها استفاده کند و در برقرار ماندن نظام طبیعی جهان تلاش کند.

مبنای سوم: وحدت عوالم هستی

وحدت وجود از مباحث عالی و عمیق عرفان اسلامی است که هر تفسیری که از آن اراده و ارائه شود، به اهمیت عالم طبیعت و معنای معنوی و هوشمند و ذی‌شعور بودن آن اشاره دارد. در مکتب وحدت آفرینش تجلی نمونه‌های اعلاست (نصر، ۱۳۵۹: ۳۲۵).

از میان خیل گسترده جنبه‌های توحید، بیان یکتایی خداوند به منظور تشخیص این مهم است که خداوند تنها خالق و پروردگار یکتای مخلوقات است؛ بنابراین هر یک از مخلوقات باید خالق خویش را تکریم کند و در عین حال هر انسانی می‌بایست تقوا پیشه کرده و شایسته‌ترین عمل را در مقابل سایر مخلوقات داشته باشد. تمامی مخلوقات ستایش‌گر خداوند رب العالمین هستند. در توصیف واژه «العالمین» مفسرین قرآن کریم این گونه بیان کرده‌اند که تمامی مخلوقات و تمامی نسل‌های آن‌ها، جهانی را تشکیل می‌دهند که به سوی خداوند در حرکتند و در نهایت با او محشور خواهند شد. الله، خالق تمامی موجودات و تمامی نسل‌ها و تک‌تک مخلوقات است. حکمای الهی از دیر زمانی این اندیشه را ابراز می‌داشته‌اند که تمام جهان شخص واحد است. ملاک وحدت و تشخیص انسان صورت او یعنی نفس اوست. حیاتی که بر کل جهان طبیعت حکم فرماست، همانند حیاتی است که بر کل بدن انسان حکم فرماست (مطهری، ۱۳۵۰: ۹۱-۲).

مبنای چهارم: عالم و طبیعت، تسلیم و مستبح حق تعالی

در قرآن یک سلسله اطلاعات درباره طبیعت هست که فهم آن‌ها در تنظیم ارتباط انسان با طبیعت مؤثر است. قرآن تأکید می‌کند که طبیعت زنده و با شعور و انسان با جهانی آگاه و هوشیار سروکار دارد و همه موجودات خدا را تسبیح می‌کنند (راسخی، ۱۳۷۸: ۱۹). *تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّنْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ ...* آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در آن‌هاست، تسبیح او می‌کنند و چیزی نیست، مگر این که با ستایش خدا تسبیح می‌کند، اما شما تسبیح موجودات را نمی‌باید (اسراء، ۴۴). اصولاً همه عالم و طبیعتی که مخلوق خداست و از آن اوست، باید تسلیم و تسبیح‌گوی خداوند باشد. قرآن کریم مکرراً به این حقیقت اشاره می‌کند که مظاهر گوناگون طبیعت همه به طرق مختلف تسلیم امر خدایند و در حال عبادت اویند و او را تسبیح و سجده می‌نمایند و به این طریق خداوند را از هرگونه نقص و عیبی عاری و پیراسته می‌دانند و نهایت خضوع و خشوع خود را نسبت به ذات اقدس الهی ابراز می‌دارند (علوی، ۱۳۹۳: ۳۲۷). علامه طباطبایی (۱۳۷۶) نیز در تفسیرالمیزان اشاره می‌کند که تسبیح خداوند از سوی تمام موجودات صورت می‌گیرد و در واقع

این ما هستیم که آن را نمی فهمیم، و در تفسیر آیه ۲۱ سوره فصلت به این مسئله اشاره شده است: «... قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ، می گوید همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده ما را گویا گردانیده است».

مبنای پنجم: طبیعت، مسخرانسان

طبیعت و اجزای گوناگونش ضمن آن که مسخر خدایند، از جانب خود خداوند هم به گونه‌ای خلق شده‌اند که در حد لازم مسخر انسان نیز می‌باشند، تا آدمی با تسلط به آن‌ها بتواند آن‌ها را شناخته و از آن‌ها بهره‌برداری ضروری به عمل آورد. قرآن مجید در موارد متعدد به این امر اشاره می‌نماید که خداوند مظاهر گوناگون طبیعت را مسخر انسان‌ها ساخته است (علوی، ۱۳۹۳: ۳۲۹). به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده: «...وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ، رودها را برای شما مسخر کرد» (ابراهیم، ۳۲). «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت» (ابراهیم، ۳۳). «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ، خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید» (جاثیه، ۱۲). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند تمام نیازمندی‌ها و وسائل زندگی را برای اهل زمین استخراج و مهیا فرمود» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱)، و «این زمینی که شما را در بر می‌گیرد و آسمانی که بر شما سایه می‌افکند هر دو مطیع فرمان پروردگار شمایند. این دو برکات خود را به شما نه به خاطر ترس و نه برای تقرب به شما و یا انتظار نیکی از شما می‌بخشند، بلکه آن‌ها مأمور رساندن منفعت به شما هستند و اطاعت فرمان حق نموده‌اند. به آن‌ها دستور داده شده که به مصالح شما قیام نمایند و آن‌ها چنین کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳).

مبنای ششم: خلیفه‌الله بودن انسان در برخورد با محیط زیست

درخصوص جایگاه آدمی در عالم کون، بهتر است یک قید ثانوی از تعالیم قرآنی بر مفهوم خلیفه‌اللهی آدم افزوده شود تا بتوان تصویر کاملی از نقطه نظر اسلامی در رابطه با انسان، به‌دست آورد و آن عبد بودن انسان است، صفتی که انسان را قادر می‌سازد تا به کمال انسانیت خود نائل آید و بدان لحاظ بتواند خلیفه ذات باری تعالی گردد (زروانی، ۱۳۸۴: ۲۵۶). عبد بودن در آیات و روایات فراوان مورد تأکید قرار

گرفته است، از آن جمله: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام، ۱۰۲). چنان‌که در قرآن کریم آمده: «...هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود، ۶۱). هم‌چنین حضرت علی (ع) نیز یکی از اهداف حکومت اسلامی را ایجاد عمران و آبادانی در شهرها دانسته و می‌فرماید: وَنُظْهِرَ الْأِصْلَاحَ فِي بِلَادِك... (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱). در اندیشه دینی اقتضای ربوبیت و مخلوقات الهی و تدبیر و حفظ آن‌ها، وجود خلیفه در عالم می‌باشد، چرا که انجام این امر بدون واسطه از ذات قدیم حق تعالی ممکن نیست، چون مناسبتی بین عزت قدیم که مختص خداوند است و ذات حدوث که نصیب ممکن است، وجود ندارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۳۰۲).

مبنای هفتم: عقلانیت انسان در برخورد با محیط زیست

واژه عقل به معنای فهم، معرفت و درک است. راغب می‌گوید: به نیرویی که آماده قبول علم است، عقل گویند. عقل به صورت اسمی در قرآن نیامده و فقط به صورت فعل مثل «عقلوه، یعقلون و...» به کار رفته است و مراد از آن ظاهراً همان نیروی فهم و درک انسانی است. با توجه به معانی مختلف عقل، مشخص است که عقل بیشتر به نیرویی اطلاق می‌شود که خدای سبحان به عنوان حجت درونی به انسان بخشیده است تا از آن برای تدبیر، تفکر، تعقل، تعلم، تفقه و تأمل در آیات آفاقی، انفسی، آیات تکوینی و تدوینی به منظور تمییز حق و باطل در علوم نظری و صلاح و فساد و خیر و شر و نفع و ضرر در امور عملی زندگی به کار گیرد تا به معارف حقیقی، ایمان و اعمال صالح رهبری شود. «سُنُّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ...» ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم...» (فصلت، ۵۳). پس توجه قرآن بیشتر به جنبه معرفتی عقل است و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل است. یکی از منابعی که زمینه اندیشیدن و تعقل انسان را فراهم می‌کند، اندیشیدن در آیات آفاقی قرآن است که در آن خدای سبحان آسمان و زمین، دریا و خشکی، شب و روز، باد و باران، خورشید و ماه و ستارگان، باغ و بوستان و مانند این‌ها را موضوع تعقل و تفکر می‌داند (بداشتی، ۱۳۷۸: ۶۵) که همه محیط‌زیست او را سامان می‌دهند.

مبنای هشتم: مکلف و مسئول بودن انسان در حفاظت از محیط زیست

از نظر قرآن کریم، انسان در قیامت در گرو اعمال خود است. قرآن چون انسان را مختار می‌داند، او را مسئول نیز می‌شناسد. اعمال و رفتاری که انسان باید پاسخ‌گوی آنها باشد، بسیار گسترده است و برخورد با طبیعت نیز در زمره آنها قرار دارد (زروانی و خداجویان، ۱۳۸۴: ۲۵۳). قرآن در این باره می‌فرماید: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ / عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» به پروردگارت سوگند که از همه آنها پرسش می‌کنیم از آن چه می‌کرده‌اند» (حجر، ۹۳-۹۲). و نیز در جایی دیگر اشاره می‌کند: «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ،» (در موقف حساب) نگاه‌شان دارید که در کارشان سخت مسئول‌اند» (صافات، ۲۴). بنابر این انسان نه تنها در قبال خویش، بلکه در برابر دیگران و نیز در افقی وسیع‌تر نسبت به همه موجودات و آفریدگان مسئولیت دارد و به نظر می‌رسد این مسئولیت در برابر جامعه زیست‌مندی چون گیاهان و جانوران و محیط زیست‌شان و نیز پدیده‌های طبیعی زمین که ضامن بقای خود شخص و دیگران نیز است، پررنگ‌تر خواهد شد.

مبنای نهم: قاعده اخلاق زیست‌محیطی

در پاسخ به این پرسش که «چرا باید اخلاقی زیست؟» دلایل بی‌شماری وجود دارد و پاسخ‌های زیادی نیز برای آن ارائه شده است، اما آن چه اسلام بیان می‌دارد، جامع تمام پاسخ‌هاست و به گفته اسلامی اردکانی (۱۳۹۴) اخلاقی زیستن بر پنج باور اصلی استوار است، نخست آن که خداوند ناظر، شاهد و حاکم این عالم و از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است و لذا می‌فرماید: «...وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (قاف، ۱۶). دوم آن که هیچ چیز، چه آشکار و چه نهان، از نظرگاه او پنهان نمی‌ماند. سوم آن که نظام عالم عادلانه است و هیچ عملی تباه نمی‌شود «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه، ۱۲۰). چهارم آن که هر کس نامه عملی دارد که در آن همه کارهای نیک و بدش ثبت می‌شود و هیچ چیز هرچند خرد نادیده گرفته نمی‌شود و لذا خداوند می‌فرماید: «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ ..» (کهف، ۴۹) و پنجم آن که سرانجام هر کس متناسب با خوبی یا بدی‌هایی که کرده است، پاداش می‌گیرد یا کیفر می‌شود «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزال، ۸-۷). از

دیدگاه قرآن، اخلاق زیست‌محیطی علاوه بر توجه به سلامت انسان، شامل حفاظت از طبیعت و محیط‌زیست و ضرورت توجه انسان به استفاده صحیح و متعادل از محیط‌زیست بدون خسارت و تخریب آن می‌شود. در قرآن وظایف انسان در برابر بهره‌برداری از طبیعت و نعمت‌های خداوندی همراه با عدالت و در جهت تأمین نیازهای خود ذکر شده است.

مبنای دهم: جذبه زیبایی طبیعت

در نگرش اسلامی خداوند جمال مطلق و دوستدار زیبایی‌ها، هم دارای نیکوترین نام‌ها (لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى) (اعراف، ۱۸۰؛ اسراء، ۱۱۰؛ طه، ۸؛ حشر، ۲۴) و هم نیکوترین آفرینندگان «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۴) و «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده، ۷) است، او هر چیز را با نیکوترین وجه آفریده و هم او بهترین تناسب و هماهنگی را به جهان هستی بخشیده است. لذا حکمای ما نظام خلقت را نظام احسن نامیده‌اند. همچنین دوست‌داری زیبایی و جمال را خداوند به‌طور فطری در وجود انسان خلق کرده است. آن‌گونه که صدرالدین شیرازی (۱۳۶۱) اضافه می‌کند: «افزون بر آن، از این جهت که خدای سبحان به همه موجودات به بهترین و زیباترین وجه، علم دارد و موجودات و اشیا پیش از وجود عینی و طبیعی خود در عالم علم الهی وجود علمی داشته‌اند و هرچه در علم الهی وجود داشته باشد، در نهایت زیبایی است و اگر این وجود علمی، در عالم عین و خارج تحقق یابد، باید به زیباترین و شریف‌ترین نحو ممکن وجود یابد، همه موجودات عالم چه مجرد و چه مادی، از حسن و جمال و زیبایی برخوردارند» (مصطفی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰). یکی از اصلی‌ترین مصادیق زیبایی طبیعت آفرینش آب است. با آفرینش آب و در واقع فرورفتادن باران از آسمان زمین جانی تازه می‌گیرد و موجودات از گیاه تا انسان حیات می‌یابند.

اصول تربیت زیست‌محیطی

دیگر یافته این پژوهش مربوط به اصول تربیت زیست‌محیطی است که یافته‌های حاصل در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. اصول تربیت زیست محیطی براساس فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران

اصول	حوزه‌ها
تأویل و تفسیر تجلی خداوند در طبیعت	هستی‌شناسی
حفظ نظم و موزون بودن طبیعت	
صلح اکولوژیکی اسلامی	
ذی شعور دانستن طبیعت	
شکر و سپاس‌گزاری انسان از طبیعت	انسان‌شناسی
امانتداری انسان در برخورد با طبیعت	
صیانت و عزت نفس در تعامل با طبیعت	
آیه دیدن طبیعت (شناخت آیه‌ای)	
آگاهی به گستره مسئولیت و ایفای آن در ارتباط با طبیعت و حیوانات	ارزش‌شناسی
اصلاح و عمران محیط زیست	
رعایت پاکیزگی و نظافت محیط	
عدالت بین نسلی	
فطری بودن گرایش به زیبایی طبیعت	بینایی و بصیرت، معنی بخش زیبایی طبیعت
بینایی و بصیرت، معنی بخش زیبایی طبیعت	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول حاکی از این است که اصول تربیت زیست محیطی عبارتند از:

اصل اول: تأویل و تفسیر تجلی خداوند در طبیعت

قرآن کریم در آیات فراوانی، پدیده‌های طبیعی را آیات الهی و مبین حقانیت خداوند برمی‌شمارد. مطهری در توضیح این امر می‌نویسد: «اگر کسی مخلوقات را آن‌چنان که هست ادراک کند، خداوند را آن‌چنان در آن‌ها ادراک می‌کند که در آینه اشیا را می‌بیند؛ یعنی حقیقت آن‌ها عین ظهور و تجلی ذات حق است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۹۷۵). به بیانی دیگر اگر انسان خواهان درک و فهمی است تا خالق خود را بشناسد. باید در

مخلوقات اش به نظاره بنشینند و زمانی این امکان پذیر خواهد بود که انسان با محیط زیست خود آن گونه برخورد کند که آینه بودن آن لحاظ گردد و به مناظری غیر قابل دیدن تبدیل نگردد. بدین روی باید در موضوع تربیت طبیعی، انسان را به گونه ای دعوت به صحت و سلامت طبیعت نمود تا بتوان با تأویل و تفسیر آن تجلی «احسن الخالقین» را مشاهده نمود. خداوند عزوجل نیز ما را به تأمل در آثار خلقت دعوت نموده است و در مورد کشت و زرع می فرماید: «أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (واقع، ۶۴).

اصل دوم: حفظ نظم و موزون بودن طبیعت

وجود نظم و نظام در عالم، بیانگر اعتدال در آن است و عدالت ابعادی دارد که یک بعد آن امری است که در تمام طبیعت ریشه دوانیده و طبیعت براساس آن انتظام یافته است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این رابطه می فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ»، یعنی با توزیع مساوی و موزون اجزای عالم، آسمانها و زمین برقرار شده اند. خداوند نیز در این رابطه در سوره حجر آیه ۱۹ می فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ». پس این موزون بودن با برافراشته شدن آسمانها و زمین براساس عدالت مرتبط و مربوط است. به این ترتیب در نگاه قرآن، عدالت صرفاً مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مفهومی عقلی و نفس الامری است که همه ابعاد وجودی عالم را دربرمی گیرد. به این ترتیب، عدالت در بعد هستی شناسی بر موزون بودن طبیعت و پدیده های موجود در جهان اشاره دارد (طاهری پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). طبق این قاعده ملک محمدی، نجارزادگان و معصوم بیگی (۱۳۹۰)، می گویند که میان انسان و هستی رابطه ای دو طرفه وجود دارد؛ از یک طرف هستی هدفمند است از سوی دیگر، انسان باید با بهره گیری صحیح از هستی، زمینه رسیدن به اهداف خود و جهان هستی را فراهم آورد.

اصل سوم: صلح اکولوژیکی اسلامی

این اصل به تغییر نگرش انسان در رابطه با طبیعت اشاره دارد، نگرشی که از طریق هماهنگی بشر با طبیعت بر مفهوم صلح تأکید می کند. در این رابطه اصل توحید می تواند به عنوان بنیادی ترین مفهوم برای گسترش نگرش اکولوژیکی از بعد معنوی مورد نظر

باشد که در واقع تمامی مخلوقات و کثرت ظاهری آنها را با مفهوم وحدت از بُعد هستی شناختی برابر می‌داند که ابن عربی آن را با مفهوم نفس الرحمن می‌خواند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). البته براساس نظریات ملاصدرا درجات هستی دارای شدت، قوت و ضعف می‌باشند و وجود امری مشکک می‌باشد و همه وجودها با یک دیگر برابر نیستند. برای گام برداشتن برای ایجاد صلح، امروزه باید برای صلح با طبیعت نیز گام برداریم. انسان می‌تواند جنبشی را در زمین ایجاد کند که انسان را در برابر مواهب اکولوژیک بیدار و آگاه کند و صلح و آرامش جهانی را فراهم آورد. با ایجاد صلح سلامت زمین بیشتر امکان‌پذیر می‌گردد. صلح با محیط‌زیست نیز در پرتو عدم افساد بر روی زمین حاصل می‌گردد و لذا خداوند می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...» (روم، ۴۱). نتیجه آن که با فراگیری علم و ایجاد وحدت و صلح، می‌توان به سلامت کره ارض امید وافر داشت. لذا برنامه‌ریزان آموزش و پرورش باید در تدوین محتوا و معلمان نیز باید در امر تربیت شاگردان بر این سه امر اساسی یعنی علم، وحدت و صلح تأکید نمایند تا با انجام استدلال برای دانش‌آموزان، تحقق آن در وجود شاگردان نهادینه گردد.

اصل چهارم: ذی شعور دانستن طبیعت

در این اصل، تسبیح و تحمید خداوند به عنوان یک ویژگی مبنایی در نظر گرفته شده است و لازمه این ویژگی وجود موجوداتی مدرک و ذی‌شعور است، که هر کدام به زبان خود به ستایش پروردگار مشغولند. صدرالمতألهین شیرازی معتقد است که هر موجودی به ازای وجودش شعور دارد و تمامی موجودات حتی جمادات، اگرچه ظاهراً زنده نیستند، ولی در حقیقت زنده و آگاه و گویای تسبیح حق هستند و جمال و جلال حق را می‌نگرند و آگاهی کامل به خالق و مبدأ وجود دارند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۱۱۷). یکی از صفات جمیله پروردگار ادراک و اختیار است. از این رو آفریدگاری که هوشمند و دارای اختیار است، آفریدگانی باهوش و مختار خلق می‌کند تا راه کمال‌یابی به سوی حق رفتن را طی نمایند. آیات بسیاری در باب ذی‌شعور بودن موجودات هستی و طبیعت وجود دارد، از جمله پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد (نحل، ۶۸). اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، از خوف خدا، آن را ترسیده

و شکاف خورده می‌دید (حشر، ۱۱). بر این اساس باید در تعلیم و تربیت دینی به این هشیاری جهان توجه نمود و مربی را بدان آگاهی داد و البته سن و سال مناسب آنان را نیز در نظر داشت.

اصل پنجم: شکر و سپاس‌گزاری انسان از نعمت‌های طبیعت

شکر نعمت و دوری از کفران آن به عنوان یکی از اصول مهم در تربیت زیست‌محیطی و حفاظت از آن در قرآن و روایات بسیار سفارش شده است. قرآن که خود یک کتاب تربیتی است از پدیدار شدن فساد در زمین و دریا به سبب اعمال مردم می‌گوید (روم، ۴۱) و علامه طباطبایی مراد از فساد را مصائب و بلاهای عمومی مانند زلزله، سیل، قحطی و جنگ و... می‌داند. وی معتقد است این فساد ظاهر در زمین بر اثر اعمال مردم، یعنی به خاطر شرکی است که می‌ورزند و گناهانی که می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۲۹۳). این کفران نعمت می‌تواند در چهره‌های گوناگون نظیر اسراف، دگرگون کردن و تخریب منابع، عدم ادای حق آن‌ها مثلاً انفاق نکردن و غیره پدیدار گردد. بعد از آن که قرآن کریم از تسخیر آسمان‌ها، زمین، کشتی‌ها در دریا، نهرها، خورشید، ماه، شب و روز سخن می‌گوید، اضافه می‌نماید که خداوند از هر چیزی که شما خواستید به شما عنایت فرمود و اگر نعمت‌های او را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آن‌ها را احصا کنید (ابراهیم، ۳۴-۳۲)، و همچنین می‌فرماید «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» انسان ستمکار و ناسپاس است». همچنین خداوند بعد از آن که از تسخیر دریا و امکان‌پذیر شدن انواع استفاده‌های صحیح از آن سخن می‌گوید، در نهایت این‌گونه ذکر می‌نماید: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، شاید شکر او را به جای آورید» (نحل، ۱۴ و جاثیه، ۱۲) (علوی، ۱۳۹۳: ۳۵۶).

اصل ششم: امانت‌داری انسان در برخورد با طبیعت

لازمه نماینده بودن انسان از خدا در زمین، تبعیت و پیروی انسان از هر چیزی است که مالک و خالق زمین (محیط) به آن امر می‌کند. نماینده و وکیل باید به دستور کسی که این نمایندگی و وکالت را به او داده، رفتار و در آن چه به او سپرده شده، همانند یک امانت‌دار الهی عمل کند. بنابراین، زمین ملک خداست و انسان‌ها

همه بندگان خدایند، و این به معنای آن است که از دیدگاه اسلام، هیچ فردی مالکیت مطلق و همیشگی ندارد (غنیمی، ۱۴۱۵ق: ۲۸). بدین سان، قرآن کریم نیز بر دوش انسان باری سنگین و اخلاقی می‌نهد که برتری قدرت و کنترل انسان بر سایر مخلوقات به دلخواه او نیست، بلکه انسان برای تمامی اعمال خود در پیشگاه خداوند باید پاسخگو باشد. این پاسخگو بودن در پیشگاه خداوند، به موجب امانتی است که انسان تولیت آن را پذیرفته است «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (احزاب، ۷۲) ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را پذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و ادای امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت). محیط‌زیست به عنوان یک امانت الهی برای همه نسل‌ها به گونه‌ای باید مورد حفظ و حراست قرار گیرد که جای هیچ‌گونه آما و آگری را باقی نگذارد. براساس اصل امانت‌داری اسلامی در تربیت زیست محیطی همه مخلوقات حقی دارند و حق مخلوقات به نوعی حق الهی محسوب می‌شود و مردم امین حقوق الهی هستند.

اصل هفتم: صیانت و عزت نفس در تعامل با طبیعت

صیانت و عزت نفس، تعامل مناسب انسان با محیط‌زیست طبیعی و در نتیجه حفاظت از آن را به دنبال خواهد داشت. زیرا کسی که استعدادهای الهی و یا قابلیت‌های رشد و تعالی معنوی را در وجودش شناسایی کند، تلاش دارد با اراده و اختیار خود آن را شکوفا کند، لذا در رفتار با طبیعت از تمایلات حیوانی کورکورانه تبعیت نخواهد کرد، چرا که طبیعت را فقط ابزاری برای دست‌یابی به امیال و رفاه خویش نخواهد دید (مرزبند و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۷). چنین به نظر می‌رسد که فردی برای طبیعت احترام بیشتری قائل است که برای خود عزت نفس بیشتری قائل باشد. پس آن‌کس که خود را خوار می‌شمارد، طبیعت را نیز خوار و بی‌مقدار دانسته و به خود اجازه می‌دهد که با آن هرگونه رفتاری داشته باشد، حتی رفتاری نامناسب مانند آلوده کردن و عدم رعایت نظافت آن که کاری پسندیده نیست.

اصل هشتم: آیه دیدن طبیعت (شناخت آیه‌ای)

این اصل تربیتی مبتنی بر شناخت انسان از محیط اطرافش و جلوه‌ها و نمودهای خلقت است؛ در قرآن آیات زیادی به این موضوع اختصاص یافته است. اراده خداوند برای گشودن راه ارتباط مستقیم میان خود او و نوع بشر - طبق آموزه‌های قرآنی - به صورت تنزیل یا فرو فرستادن آیات یا «نشانه‌های» الهی تجلی پیدا می‌کند. ارتباط میان انسان و خداوند یا به شکل برجسته‌ای، یعنی وحی صورت پذیرفته است و یا به صورت غیرزبانی از طریق آیات طبیعی (مخلوقات) انجام پذیرفته است. خدا در هر لحظه، آیات را یکی پس از دیگری به کسانی فرو می‌فرستد که از چنان عقل و اندیشه‌ای برخوردارند که آن‌ها را هم چون «نشانه‌هایی» تلقی می‌کنند (راسخی، ۱۳۷۸: ۱۰۹). «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره، ۱۶۴). مشابه این تعبیرات را می‌توان در آیات ۹۵-۹۹ سوره انعام و نیز ۱۳-۹ سوره نحل مشاهده نمود. بنابراین، تفکر درباره طبیعت، اجزا و عناصر آن، و قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی یکی از مقولات بسیار مهمی است که معلمان باید دانش‌آموزان را در این زمینه یاری نمایند.

اصل نهم: آگاهی به گستره مسئولیت و ایفای آن در ارتباط با طبیعت و حیوانات

بر پایه اصل مسئولیت، انسان در مقابل همه چیز و از آن جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود، که آب و هوا و زمین را در برمی‌گیرد، مسئولیت دارد. لذا در خصوص چگونگی بهره‌مندی از نعمت‌های الهی مسئول است. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه در این باره چنین فرموده: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ...» یعنی: در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید، زیرا همه شما مسئول هستید، ... به نظر می‌آید که آگاهی به گستره مسئولیت انسان مهم‌ترین اصل انسان‌شناختی محسوب می‌شود که در قوانین اسلامی نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. پیامبر (ص) خود را در برابر درختان، حیوانات و همه موجودات طبیعی مسئول می‌دانست. نقش و حمایت حیوانات آن قدر پررنگ است که در نام‌گذاری سوره‌های قرآن نیز از نام آن‌ها استفاده شده است. در برخی از آیات قرآن نیز، به منافع و فوایدی که بعضی از حیوانات برای انسان دارند، اشاره شده است. حال این غیر، گاهی انسانی است از جنس انسان، و زمانی حیوان و یا گیاهی که طبق آیه ۳۸

سوره انعام گروه‌هایی از جنس خودمان هستند، و این موضوعی است که در روند تربیت زیست محیطی باید مورد توجه قرار گیرد. پس در فرایند تربیت باید احساس مسئولیت را در دانش‌آموزان پدید آورد و براساس توانائی آنها مسئولیت‌های متناسب با هر مرحله از رشد آنان را به ایشان معرفی نمود و برای پذیرش مسئولیت‌ها آنان را ترغیب کرد.

اصل دهم: اصلاح و عمران محیط زیست

مأموریت انسان عمارت و آبادانی زمین است، و منظور از عمارت و آبادانی زمین تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ حیاتی که مرزهای حیات گیاهی و حیوانی را در می‌نورد و به رشدی می‌رسد که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی است، و در سایه آن، هم محیط زیست از خطر تباهی می‌رهد و هم زندگی آدمی از ضرر اخلاقی مصون می‌ماند، و در نتیجه هم جسم از مزایای طبیعت سالم بهره‌مند می‌شود و هم روح از نعمت هدایت رحمانی متنعم می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۰). انسان مالک مجازی زمین است و چگونگی نحوه تصرف در این ملک مجازی در «اصلاح در زمین و اجتناب از فساد» ذکر شده است. آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته است و به اصلاح در آن امر می‌فرماید: عمران و آبادی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است (امین زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۴). «...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت (هود، ۶۱). امام علی (ع) به مالک اشتر نوشتند: باید توجه به آباد کردن زمین بیش از توجه تو به گرفتن مالیات باشد، زیرا مالیات جز در نتیجه آبادانی فراهم نمی‌آید... (الحیاه، بیتا، ج ۲: ۷۴۴). و در سخنی دیگر می‌فرمایند: با رعایت معیارهای خداترسی (از آن جمله در مصرف و تصرف در طبیعت)، هیچ ریشه‌ای از بین نمی‌رود و هیچ زراعتی خشک نمی‌شود و تشنگی نمی‌آید (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

اصل یازدهم: رعایت پاکیزگی و نظافت محیط

در همه ادیان آسمانی، پاکیزگی و عدم آلودگی از وظایف دینی بر شمرده شده است، در اسلام بر پایه حدیث «النظافه من الایمان» حفظ پاکی در همه زمینه‌ها اعم از

انسان، زمین، آب، هوا و غیره مطرح می‌گردد. بهداشت یکی از مباحث مهمی است که اسلام توجه جدی به آن نموده است. اسلام به منظور حفاظت از محیط دستورات و برنامه‌های فراوانی در تمامی عرصه‌های حیات بشری، اعم از معنوی، مادی، فردی و اجتماعی عرضه کرده است. پس با توجه به تأثیرگذاری این عرصه‌ها بر یکدیگر، نباید آن‌ها را به صورت جداگانه مورد بحث قرار داد. محیط‌های پاک غالباً افراد پاک پرورش می‌دهند و محیط‌های آلوده غالباً افراد آلوده. بر طبق آیه‌ای از قرآن: «والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه و...» (اعراف، ۵۸). به همین دلیل برای تهذیب نفوس و تقویت اخلاق صالح باید به اصلاح محیط همت گماشت (فغور مغربی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶). پیامبر (ص) در حدیثی می‌فرماید: «زمین را مسح کنید، زیرا او نسبت به شما نیکی و لطف و محبت دارد» (نهج الفصاحه، ترجمه پاینده، ۱۳۸۲). بنابراین، مصداق‌های گوناگون آن نظیر آب و هوا، زمین و غیره مورد توجه است. از این رو در این مورد نقشی که در این اصل تربیتی نمایان می‌شود، بسیار کاربردی و مهم است و آن توجه به بعد آموزشی است که معلم یا مربی بهداشت به دانش‌آموزان رعایت نظافت فردی و پاک نگاه داشتن محیط‌ها و اماکن اجتماعی را بیاموزد.

اصل دوازدهم: عدالت بین نسلی

این اصل بیانگر ضرورت عدالت و وجوب آن در ادوار زمانی حضور انسان در این جهان است. آنچه که باید در روند تربیت زیست‌محیطی مد نظر قرار داد، پرورش انسان‌هایی قانع در استفاده از محیط زیست است، چرا که نسل‌های آینده نیز هم چون ما حق مساوی و برابری نسبت به محیط زیست دارند. این امر لزوم کم مصرف کردن را نمی‌رساند، بلکه بر درست مصرف کردن تأکید می‌کند، تا حق نسل‌های آینده ملاحظه و حفظ گردد. افزون بر این، هم‌چنان که نظام هستی، نظامی عادلانه است، این عدالت نیز باید در زندگی انسان تجلی پیدا کند. خداوند در این رابطه در سوره الرحمن آیات ۷ تا ۹ می‌فرماید: وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ، که در ترجمه و تفسیر همراه با آن این آیات براساس تفسیر نمونه (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴) آمده است که: آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف

نشوید)، وزن را براساس عدل بر پا دارید و در میزان کم نگذارید»، پس هم‌چنان که عالم هستی نظام و میزانی دارد، انسان نیز به عنوان بخشی از این عالم بزرگ باید نظام و میزان داشته باشد. اگر میزان و قانون از عالم بزرگ برچیده شود، راه فنا و نابودی پیش می‌گیرد و اگر زندگی شما هم فاقد نظم و میزان باشد، رو به فنا خواهید رفت (طاهری‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹). پس باید رعایت عدالت در بهره‌برداری از زمین و حفاظت از آن در محتوای آموزشی منعکس گردد و دانش‌آموزان نیز باید برای پاکیزه نگه‌داشتن و بهره‌مندی درست از آن تشویق و ترغیب شوند.

اصل سیزدهم: فطری بودن گرایش به زیبایی طبیعت

فطرت دارای دو بعد بینشی (شناخت بوده‌ها و نبوده‌ها) و گرایشی (گرایش به بایدها و نبایدها) است. مقصود از شناخت و گرایش فطری آن نوع شناخت‌ها و گرایش‌هایی است که اولاً، اکتسابی نیستند، ثانیاً، همگانی و عمومی هستند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۵۸۵۷). زیبایی خواهی یا گرایش به جمال و زیبایی یکی از انواع گرایش‌های فطری در کنار گرایش‌هایی چون میل به پرستش، حقیقت‌جویی و فضیلت‌خواهی است. وجود این میل فطری در انسان موجب پیدایش شاخه‌های گوناگون هنر و فرهنگ نیز در تمدن بشری شده است و اسلام نیز آن را پذیرفته و حتی بخشی از اعجاز قرآن کریم، براساس هنر و زیبایی پایه ریزی شده است (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۳۹). از آن‌جا که زیبایی‌های طبیعت، نماد و نشانه‌ای از جمال و زیبایی آفریدگار آن است، حاصل مشاهده آن‌ها چیزی جز اعتراف و گواهی دل به وجود خالق آن نیست. انسانی که سرشت پاک دارد و در جهت بروز و ظهور این فطرت و سرشت پاک همواره در تکاپو است، در پی حس زیبایی‌شناسی خود، به دل طبیعت می‌رود و جذب تماشای طبیعت و زیبایی‌های آن می‌شود و از آن لذت می‌برد. اصل لذت بردن از مناظر زیبا و اشیای زینتی را، از غرایز فطری انسان می‌داند که خود به خود بار ارزشی ندارد، یعنی نه خوب است و نه بد. داشتن بار ارزشی، خوب و بد اخلاقی آن، به امور عارضی و خارجی بستگی دارد.

اصل چهاردهم: بینایی و بصیرت، معنی بخش زیبایی طبیعت

با سیری در آیات مربوط به زیبایی در قرآن کریم، اشاراتی به دست می‌آید که این کتاب الهی در بُعد زیبایی‌شناختی، از سویی بیننده را در نظر می‌گیرد و از سوی دیگر زیبایی و حسن در جوهره اشیاء را مطرح می‌کند، آن جا که درباره زیبایی آسمان پرستاره از سویی زینت‌گری به آسمان نسبت داده می‌شود و از سویی دیگر نقش بیننده در دریافت این زینت برجسته می‌شود: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ» (حجر، ۱۶). بنابراین، از آن جایی که زیبایی یک مقوله معنایی و ادراکی است و تجلی زیبایی طبیعت نیز در قامت ماده است، ارزش زیبایی و مؤثر بودن آن منوط به درک شدن آن از سوی موجودی خردمند و احساس‌گر یعنی انسان است (هاشمی، ۱۳۷۷: ۲۶۰). حال که طبیعت با این وسعت و تنوع زیبایی‌ها از رنگ‌ها و طراحی‌ها تا اصوات و بوییدنی‌ها از طراوت و تازگی‌ها تا عظمت و بلندی‌ها، از پاک و پاکیزگی‌ها تا سفید (استعاره از روز و آسمانی تمیز) و سیاهی‌ها (شب و آسمانی پرستاره) در منظر زیبا نظاره‌گر ادراک‌کننده‌ای چون انسان قرار گرفته است، و سخاوتمندانه به او روی آورده، می‌طلبد که آدمی در مسیر رشد و پرورش خود و در سیر الی الحق، به عین و ذهن پذیرای آن باشد و زیبایی‌اش را شایسته و بایسته حفظ نماید. لذا باید والدین و به ویژه معلمان فرزندان و دانش‌آموزان خویش را به حفاظت از محیط‌زیست و بردن حظّ وافر از آن ترغیب نمایند و آنان را به قدردانی از زیبایی‌ها تشویق نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد رسیدن به مجموعه‌ای از اهداف، مبانی و اصول تربیت زیست‌محیطی به واسطه بررسی آن در مبانی فلسفه تربیت اسلامی است. تربیت زیست‌محیطی، تربیتی است مبتنی بر اهداف، مبانی و اصول مخصوص به خود که در جهت رشد و پرورش آگاهی‌ها و توانایی‌های انسان برای تعامل صحیح و منطقی با محیط‌زیست انسانی و غیر انسانی اعمال می‌گردد تا با ایجاد نسلی آگاه و قانونمند نسبت به هستی، طبیعت را به عنوان کتاب اسرارآمیز الهی حفظ و حراست نماید. آن چه از تربیت زیست‌محیطی براساس تعاریف مختلف به ذهن خطور می‌کند، این است که بتوان براساس یک پایه و بنیان فلسفی عمیق و در حضور مؤلفه‌هایی نظیر دانش (سواد)،

فرهنگ و آموزش زیست محیطی عمل کرد، و با بهره جستن از قواعد و الزامات دینی، نگرش افراد در ارتباط با طبیعت و یا بر هم کنش میان انسان و طبیعت را بهبود بخشید. بدین روی، سواد زیست محیطی در کنار فرهنگ اجتماعی جزء لاینفک در مسیر تربیت زیست محیطی است. انسان به عنوان موجودی دو بعدی و به واسطه ودیعه‌هایی که خداوند در وجود او قرار داده است، نظیر عقلانیت و اراده و اختیار همواره در پی کشف جهان اطراف خود بوده است. او همواره آرزوی احاطه و تسلط بر دنیای پیرامونش خصوصاً طبیعت و جهان هستی، از کوچک‌ترین ذرات آن همچون اتم‌ها تا بزرگ‌ترین اجرام آن چون سیارات و کهکشان‌ها را در سر پروراند است. دستکاری و تغییر طبیعت جهت برآوردن نیازها مهم‌ترین اولویت او در زندگی بوده است. اما این تغییر تنها به ضرر طبیعت نبوده، بلکه به ضرر خود او نیز بوده است.

اولویت پیدا کردن تربیت زیست محیطی زمانی آشکار می‌گردد که انسان با تجربیات تلخی در ارتباطات خود با طبیعت مواجه گردیده است؛ اما این مسئله غیر از امکان ضرر و زیانی است که می‌تواند به وجود آورد. ارتباط انسان با طبیعت در طول تاریخ فلسفه مسئله‌ای بحث برانگیز بوده است. این ارتباط در دورانی، ارتباطی معنوی بوده است، در دورانی دیگر، ارتباطی رمانتیک و هنری بوده است و پس از آن نیز تاکنون به واسطه علم و فناوری به تسلط بر طبیعت در جهت نابودی گونه‌ها و منابع آن رسیده است. براساس این نگاه به تربیت زیستی است که در این پژوهش با استفاده از مبانی فلسفه تربیت اسلامی به استخراج اهداف، مبانی و اصول پرداخته شد و به‌طور مفصل در بدنه مقاله با توجه به آیات و روایات معتبر مورد توجه قرار گرفته است.

براساس یافته‌های پژوهشی تربیت زیست محیطی از مهم‌ترین ابعاد تربیت بیرونی افراد در ارتباط با طبیعت است که می‌تواند در رابطه با خدا به شکل اعتقادی و دینی، در رابطه با خود فرد به تربیت درونی و در رابطه با اجتماع به تربیت اجتماعی و انواع دیگر منقسم گردد. براساس یافته‌های حاصل در بخش اهداف، مبانی و اصول تربیت زیست محیطی می‌توان در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مربوط به علوم زیستی، تربیت نیروی انسانی و آموزش مربیان بهره گرفت. به نظر می‌آید که برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مربیان و آموزش این مبانی و اصول از مجرای تربیت معلم کنونی راهگشا خواهد بود. نتایج پژوهش حاضر را می‌توان به صورت جداگانه از سیستم تعلیم و

تربیت رسمی، با برگزاری کارگاه‌هایی کاربردی نمود تا نه تنها دانش‌آموزان بلکه اعضای خانواده آن‌ها نیز، درست‌تر و سالم‌تر با محیط خود ارتباط داشته باشند. چرا که نگاه منطقی و استدلالی داشتن به امور خصوصاً امر تعامل انسان با محیط زیست، سن خاصی نمی‌خواهد. آن چه مد نظر این پژوهش است کاربردی نگاه کردن به مسئله حفاظت محیط‌زیست است که به نظر می‌رسد به واسطه عمل صحیح در قالب گروه‌های مشارکتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد اجرایی خواهد بود. در این بین، همراهی سازمان‌ها و موسسات مختلف نظیر شهرداری، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگل‌ها و مراتع و مانند این‌ها در پیشبرد اهداف تربیتی محیط زیستی در این گروه‌ها لازم خواهد بود. در حال حاضر با توجه به دایر شدن مدارس سبز در کشور که بر آموزش کودکان در محیط طبیعی و بر تجربه کردن آن‌ها در این محیط به صورت مستقیم متمرکز هستند، می‌توان این گونه تحقیق‌ها را به آن‌ها ارائه داد تا آن‌ها از منظری فلسفی-دینی نیز اهداف تربیتی خود را مورد مذاقه قرار دهند.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که بحث روش‌های تربیتی منتج از اصول، بحث جدی است که در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفته است و پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان به این حوزه در مطالعات بعدی به این موضوع توجه داشته باشند. دیگر محدودیت‌های این پژوهش آن است که به دلیل فشردگی مطالب آن‌گونه که شایسته بود به روایات ائمه اطهار(ع) و سیره ایشان در زمینه برخورد با طبیعت از جمله حیوانات و توجه آن‌ها به عمران و آبادانی زمین پرداخته نشد که علاقه‌مندان به این موضوعات می‌توانند به صورت جداگانه این موضوع را مورد تبیین و بررسی قرار دهند.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۳). ترجمه مهدی (محبی‌الدین) الهی قمشه‌ای. قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی.
- نهج‌البلاغه سیدرضی (ره)، (۱۳۷۶). ترجمه علامه محمدتقی جعفری. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نهج‌الفصاحه، (۱۳۸۲). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: دنیای دانش.
- اسلامی اردکانی، سیدحسن، (۱۳۹۴). چرا باید اخلاقی زیست؟ تبیین اسلامی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۸(۲۷)، ۷-۲۶.
- اصغری‌نم‌جانی، صادق، (۱۳۷۸). مبانی حفاظت محیط‌زیست در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سازمان حفاظت محیط زیست.
- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۷۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: انتشارات سمت.
- امین‌زاده، بهناز، (۱۳۸۱). جهان‌بینی دینی و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به محیط زیست. محیط‌شناسی، ۲۸(۳۰)، ۹۷-۱۰۶.
- انصاری، فرشته، (۱۳۸۹). معرفی و نقد کتاب فارسی: زنان و محیط زیست (نوشته عباس محمدی‌اصل). کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۴(۱۵۲)، ۳۷-۳۴.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس و توسلی، طیبه، (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بداشتی، علی‌الله، (۱۳۷۸). قرآن و عقل. صحیفه مبین، ۶(۲۰)، ۵۸-۸۱.
- بروک، جان‌هدلی، (۱۳۸۲). الهیات طبیعی، ترجمه فرشاد فرشته‌صنعی. نامه علم و دین، ۱۷(۲۰)، ۳۹-۵۸.
- بنسون، جان، (۱۳۸۲). اخلاق محیط‌زیست (مفاهیم و مقالات). ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- بیدهندی، محمد؛ کرباسی‌زاده، علی و شیروانند، محسن، (۱۳۸۹). نقش آموزه‌های دینی در حل بحران‌های زیست‌محیطی. پژوهش‌های علم و دین، ۱(۲)، ۷-۲۳.
- پالمر، جوی ای، (۱۳۸۲). آموزش محیط‌زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه علی‌محمد خورشیددوست. تهران: انتشارات سمت.
- جانگیر، عیسی، (۱۳۹۰). محیط‌زیست و بحران آن: رویکرد قرآنی. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۷)، ۶۳-۸۴.
- جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست. قم: انتشارات اسراء.
- چارلز کیس، آلکساندر؛ لانگ، وینفرید و سند، پیتر، (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حدادی، محسن، (۱۳۸۷). مبانی اخلاق زیست‌محیطی در ادیان. اطلاعات حکمت و معرفت، ۳(۳)، ۲۵-۲۸.
- راسخی، فروزان، (۱۳۷۸). ارتباط انسان و طبیعت از نگاه اسلام و آیین داتو، هفت آسمان، ۲(۲)، ۸۷-۱۱۷.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسن بن محمد (بی تا). المعرذات فی غریب القرآن. تهران: المکتبه المرتضویه.
- زروانی، مجتبی و خداجویان، فاطمه، (۱۳۸۴). پاسداری از محیط‌زیست در آیات و روایات. پژوهش دینی، ۱۲(۱۲)، ۲۵۱-۲۶۶.
- ساعد، نادر و تیلا، پروانه، (۱۳۸۹). مجموعه قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست ایران. تهران: خرسندی.
- صالحی، صادق و لطفی، بهنام، (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی نگرش‌های زیست‌محیطی در ایران (برطبق داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی). جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۳(۱)، ۱۰۹-۱۳۸.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم، ترجمه محمد خواجه‌ای، هفت جلدی. قم: بیدار.
- ظاهرپور، محمدشریف؛ جاویدی، طاهره؛ باقری، خسرو و نقی‌زاده، حسن، (۱۳۹۵). مبانی، اصول و روش‌های تربیت شهروند زیست‌محیطی از دیدگاه اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۰)، ۵۵-۸۸.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۶). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
- عابدی‌سروستانی، احمد؛ شاه‌ولی، منصور و محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۶). ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی. اخلاق در علوم و فناوری، ۲(۲) و ۱، ۷۲-۵۹.
- عباسی، ولی‌الله، (۱۳۸۹). هرمنوتیک و اندیشه دینی. کوثر معارف، ۶(۱۳)، ۱۴۱-۱۷۴.
- عظیمی، محمد؛ غلامی، مهدی و رامین‌آزاد، میلاد، (۱۳۹۲). تبیین نشانگرهای سواد زیست‌محیطی براساس استانداردهای سواد علوم در پروژه ۲۰۶۱ آمریکا، اولین کنفرانس ملی آموزش فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غولی، سیدحمیدرضا، (۱۳۹۱). طبیعت‌شناسی (مبانی و لوازم تربیتی آن در قرآن کریم و نهج‌البلاغه). معرفت، ۲۱(۱۷۶)، ۱۵-۳۱.

- _____ (۱۳۹۳). تربیت در قرآن و نهج البلاغه. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- غنیمی، زین‌الدین عبدالمقصود. (۱۴۱۵ ق). تربیت زیست‌محیطی اسلام و حمایت محیط زیست دریایی از آلودگی. سازمان تربیت و فرهنگ و علوم عربی.
- فغور مغربی، حمید. (۱۳۸۸). اصول اخلاقی محیط‌زیست از منظر اسلام. فصل‌نامه اخلاق پزشکی، ۳(۸)، ۱۱-۴۴.
- فهیمی، عزیزالله. (۱۳۸۷). فلسفه حقوق محیط‌زیست و آثار آن. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۹(۳)، ۱۰۷-۱۱۷.
- فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی. (۱۳۸۸). ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تاراهبردهای حقوقی). پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۱(۱)، ۱۹۵-۲۱۶.
- کارلسون، آلن. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی محیط زیست، ترجمه کریم‌پور زبید. زیبا شناخت، ۱۰(۲۰)، ۲۹۱-۳۰۲.
- کاکلمانس، جوزف‌جی. (۱۳۸۰). مارتین هایدگر (پیش‌درآمدی به فلسفه او)، ترجمه موسی دیباج. تهران: انتشارات حکمت.
- کیس، آلکساندر. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست. در حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست ایران. (۱۳۷۹). تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۷۹). الهیات محیط زیست. اخبار ادیان، ۶(۱۷)، ۷-۳۰.
- مرزبند، رحمت‌الله و محمدی‌لاتینی، محمدباقر. (۱۳۹۲). نقش جهان‌شناختی و انسان‌شناختی و حیاتی در اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی. اخلاق زیستی، ۳(۷)، ۱۴۱-۱۶۲.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه (تاریخ دو قرن فمینیسم). تهران: انتشارات شیرازه.
- مصطفی‌پور، محمدرضا. (۱۳۹۱). ارزش ذاتی طبیعت در نگاه صدرالمتألهین شیرازی. فصل‌نامه اسراء، ۴(۴)، ۱۱۳-۱۲۹.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۰). مقدمه و باورقی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه سیدمحمدحسین طباطبائی. جلد ۵. قم: انتشارات دارالعلم.
- _____ (۱۳۸۶). مجموعه آثار. جلد ۶. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: الکتب‌الاسلامیه.
- ملاصدرا. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه، تصحیح، تحقیق و مقدمه سیدمصطفی محقق‌داماد. به اشرف سیدمحمد خامنه‌ای. ویراستار مقصود محمدی. تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملک‌محمدی، نرجس؛ نجارزادگان، فتح‌الله و معصوم‌بیگی، حسین. (۱۳۹۰). نقش نظام هستی‌شناختی قرآن در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۴(۱۲)، ۶۳-۸۸.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۵۹). علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات خوارزمی.
- _____ (۱۳۷۹). نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میان‌داری. قم: کتاب طه.
- نلسون، مایکل‌پی. (۱۳۸۵). اخلاق زیست‌محیطی. ترجمه زهرا واعظی‌نژاد. اخلاق، ۱(۲ و ۳)، ۶۰-۷۴.
- نوذری، حسین علی. (۱۳۸۹). فمینیسم و تاریخ‌نگاری (۲): نظریه‌ها و کاربردها. مجله اطلاعات حکمت و معرفت، ۵(۶)، ۶۴-۶۷.
- هاشمی، سیدحسین. (۱۳۷۷). انسان و طبیعت در قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۴(۱۵ و ۱۶)، ۲۵۴-۲۶۹.

- Callicott, J. B. (2006). *In defense of the land ethic*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Delord, J. (2008). La recherche écologique à l'épreuve de la philosophie de l'environnement. *Labyrinth*, 30, 81-97.
- Drenthen, M. (2016). Environmental hermeneutics and the meaning of nature. In S.M. Gardiner & A. Thompson, (Eds.), *The Oxford handbook of environmental ethics* (pp. e15-e27). Oxford: Oxford University Press.
- Jacobus, R. J. (2004). Understanding environmental theology: A summary for environmental educators. *The Journal of Environmental Education*, 35(3) 35-42.
- Leblanc DesNeiges, M. (2002). La philosophie éthique: au service de l'environnement? *Elements Environmental Magazine*. Available at: <http://www.elements.nb.ca/theme/ethics/michel/michel.htm>
- Leopold, A. (2001). Ecocentrism: The land ethic. In L. P. Pojman (Ed.), *Environmental ethics: Readings in theory and application* (pp. 119-126). Belmont, CA: Thomson Learning.
- Mies, M., & Shiva, V. (1993). *Ecofeminism*. London: Zed Press.
- Orr, D. W. (1992). *Ecological literacy: Education and the transition to a Postmodern world*. Albany, NY: SUNY Press.
- Volk, T., & McBeth, W. (1997). *Environmental literacy in the United States*. Washington, DC: North American Association for Environmental Education.